



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

غیرت در مکتب عترت عائشہ

مؤلف: فرید نجف نیا
ویراستار: مرضیہ عزیزیان
طراح جلد: حسین براتی
نمونہ خوان: سالار نصیروند
صفحہ آرا: مجید براتی
ناشر: انتشارات اسوہ
لیتوگرافی، چاپ و صحافی: چاپخانہ بزرگ قرآن کریم
شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه
چاپ: اول، زمستان ۱۳۹۳
چاپخانہ: چاپخانہ بزرگ قرآن کریم
قیمت: تومان
شابک:

راه های ارتباط با مؤلف:

همراه: ۰۹۱۹۵۰۰۰۸۱۹

پیام گیر: ۰۲۶ ۳۳۵۱۳۵۰۰

سامانه پیامک: ۱۰۰۰۹۱۹۵۰۰۰۸۱۹

صندوق پستی کرج: ۳۱۵۳۵-۱۷۵۵

وبسایت: www.farid294.ir

ایمیل: najafnia.farid.da@yahoo.com

کلیه حقوق برای
مؤلف محفوظ است
و نسخه برداری منوط
به اجازه مؤلف است.



عظیم
خیر مکتب

فرید نجف نیا



پیشکش به پیشگاه مقدس
حضرت ابوالغیرة مولانا ابوالفضل العباس علیه السلام
که به راستی پرچمدار غیرت، مردانگی و رادمردی است
و از او آموختیم که قاموس غیرت، ناموس شیعه است.



فهرست مطالب

مقدمه	۹
دیباجه	۱۳
پیشگفتار	۱۵
فصل اول: واژه‌شناسی غیرت	۱۹
الف) تعریف غیرت	۲۰
ب) غیرت و حسادت	۲۰
ج) غیرت و حمیت	۲۱
د) غیرت و عصبیت	۲۲
ه) تعریف بی‌غیرتی	۲۳
فصل دوم: اقسام غیرت	۲۵
الف) غیرت ناموسی	۲۶
ب) غیرت و تعصب دینی	۲۹
ج) غیرت ملی	۳۰
فصل سوم: نگاهی به عفت و غیرت از دیدگاه اسلامی (سیر در آیات قرآن و روایات)	۳۳
الف) اهمیت غیرت دینی در کتاب و سنت	۳۴
ب) غیرت دینی از نگاه پیامبر اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small>	۳۶
ج) غیرت دینی در کلام مبارک امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small>	۳۸
د) بی‌غیرتی از منظر سنت	۳۹
ه) غیرت دینی از منظر نخبگان علم اخلاق	۴۰
فصل چهارم: عوامل کاهش غیرت ورزی مردان در جامعه و کم‌رنگ شدن تقبیح اجتماعی بی‌غیرتی	۴۳
الف) وارونه شدن ارزش‌ها	۴۴
ب) فاصله زیاد بین بلوغ و ازدواج	۴۸
ج) احساس حقارت، خودکم‌بینی و ضعف نفس در مردان	۵۱
د) لجاجت با برخی از گروه‌های اجتماعی	۵۲
ه) بی‌توجهی به غذای طیب، طاهر و حلال و تأثیر آن بر غیرت ورزی مردان	۵۴
و) نقش رسانه‌ها در عدم الگوسازی شایسته برای جوانان	۵۶
ز) تضعیف نقش خانواده و تبدیل خانه به خوابگاه	۶۱
ح) نقش موسیقی در رواج بی‌غیرتی و انحطاط جوانان	۶۲
فصل پنجم: درمان بی‌غیرتی	۶۷
الف) تاکید بر ارزش بودن غیرت مردان و حجاب زنان در کتاب‌های درسی	۶۸
ب) هوشیاری و عاظ و علمای دین در امر به معروف و نهی از منکر	۶۹
ج) ضرورت انتقال الگوی «غیرت مردانه» ضامن آرامش زنانه»	۷۱
د) نفی غیرت منفی و زیانبار	۷۳
نتیجه‌گیری	۷۵
نمایه‌ها	۷۹
منابع و ماخذ	۸۵



مقدمه

یکی از واژه‌هایی که در احادیث و روایات اسلامی به عنوان یک فضیلت اخلاقی مهم از آن نام برده شده است، غیرت می‌باشد که متأسفانه این صفت اخلاقی پسندیده، مورد غفلت قرار گرفته و کمتر به آن توجه می‌شود: حال آنکه روایات ماثوره از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام گویای این مطلب است که مسئله غیرت یکی از مسائل مهم در اسلام بوده، هست و خواهد بود.

با مطالعه تاریخ مسلمانان نیز به خوبی درمی‌یابیم که تنها راه غلبه دشمنان اسلام بر مسلمانان آندلس، از بین بردن غیرت و ترویج فساد و فحشا بوده و آنان از این راه و توانستند به پیروزی برسند و مسلمانان را که قدمتی یکصد ساله در اسپانیا داشتند، یک شبه مغلوب خود گردانده و قریب به هزار مسجد و محل عبادت مسلمانان را تبدیل به کلیسا کنند. مسئله غیرت به عنوان یکی از ضروریات جامعه باید در سراسر عالم اسلام و به خصوص در ایران اسلامی مورد توجه و عنایت همه مسلمانان به خصوص شیعیان باشد و به عنوان یکی از مهمترین دستاوردهای دینی، بزرگترین ارزش مذهبی، میراث چهارده معصوم علیهم‌السلام و در یک کلام، دستوری از دستورات حضرت باری تعالی جل و عزه در جامعه ما تبدیل به یک فرهنگ شود.

دشمنان اسلام در این زمان نیز با به کار بردن همان ترفند یعنی توسعه بی غیرتی، ترویج فساد و اباحی گری، قصد تسلط بر مسلمانان، تحت سلطه قرار دادن آنها و به یغما بردن سرمایه های مادی و معنوی آنان را در دستور کار خود قرار داده اند که تنها با هوشیاری و غیرتمندی آحاد مردم است که می توان در مقابله با آنان ایستادگی کرد و به تبعیت از سالار شهیدان حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام آزادمردانه زندگی نمود و با حیاتی غیرتمندانه خود را مشمول محبت خدای متعال قرار داد که امام صادق علیه السلام می فرماید :

«إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى غَيُورٌ يُحِبُّ كُلَّ غَيُورٍ وَلِغَيْرَتِهِ حَرَمُ الْفَوَاحِشِ ظَاهِرُهَا وَبَاطِنُهَا»

همانا خداوند تبارک و تعالی با غیرت است و مردان غیور را دوست دارد و از همین رو، زشتی ها را چه آشکار و چه پنهان حرام کرده است». و در روایتی دیگر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله غیرت را جزئی از ایمان بر شمرده و می فرمایند:

«الْغَيْرَةُ مِنَ الْإِيمَانِ وَالْمِذَاءُ مِنَ التَّفَاقِي»*

غیرت از ایمان است و بی بند و باری از نفاق».

با توجه به تلاش های گسترده ای که در خصوص عفاف و حجاب و ضرورت رعایت آن در جامعه انجام گرفت ولی خروجی ای از این همه زحمت و تلاش آن گونه که انتظار می رفت به دست نیامد، لذا بر آن شدید موضوع را ریشه یابی نموده و با یک نگاهی محققانه و پژوهشگر، به تحلیل و بررسی علل و عوامل عدم موفقیت کامل طرح عفاف و حجاب پرداخته و با مشخص شدن دلایل مورد نظر، تمام همت خود را برای رسیدن به نتیجه مطلوب به کار گیریم.

* محمد بن یعقوب بن کلینی، اصول الکافی (ط-الاسلامیه) ج. ۵، ص. ۵۳۵ و ۵۳۶، ح. ۱.

** نهج الفصاحه، ص. ۵۸۷، ح. ۲۰۴۵.



نتیجه بررسی‌ها ما را برآن داشت تا در زمینه غیرت و تقویت این روحیه ارزشی و معنوی در جامعه کار کرده و سطح اطلاعات و دانش آحاد مردم را در این خصوص ارتقا بخشیم. پیشنهاد گردآوری مطالبی با بهره‌گیری از منابع اسلامی را به شریف ارجمند جناب آقای حاج فرید نجف نیا مطرح و ایشان با آغوش باز قبول زحمت کرده و نسبت به گردآوری این کتاب زحمات بسیاری کشیدند که بدین وسیله تقدیر و تشکر می‌شود.

امید است مطالب مندرج در این اثر مورد استفاده آحاد مردم شریف و مسلمان قرار گیرد و با کمک یکدیگر بتوانیم با فرهنگ‌سازی در زمینه‌ی توسعه و ترویج غیرت در سراسر جامعه گام‌های موثری برداشته و با این حرکت الهی قلب مولا و مقتدا ایمان امام زمان علیه السلام و نائب برحقش مقام معظم رهبری علیه السلام را مسرور و موجبات رشد فرهنگ عفاف و حجاب و توجه بیشتر و عمل به این واجب دینی را در سراسر کشور فراهم آوریم.

سید عباس مسعودی

مدیرکل تبلیغات اسلامی استان البرز





دیباچه

فطرت انسان، کمال طلب و خداجو است. از این رو، پیوسته در تکاپوی رسیدن به سعادت است تا خود را به سوی تکامل رهنمون سازد و استعدادهایش را به رشد و تعالی برساند. در این فرآیند، مجموعه عوامل تشویق‌کننده و بازدارنده در وجود او در حال فعالیت هستند و هر یک او را به سویی می‌برند. هرگاه عوامل بازدارنده بر انسان غلبه کند، انسان تا حد حیوانیت تنزل می‌کند؛ انسانی که باید رو به خدا داشته باشد و به او نظر کند و هدفی جز رضایت و رضوان حضرت حق نداشته باشد، در این حالت فقط به خور و خواب و شهوت می‌اندیشد و از ارزش‌های انسانی غافل می‌شود.

این در حالی است که همه پیامبران مبعوث شدند تا رفتارها و کردارهای مردم را اصلاح و اخلاق نیکورا ترویج کنند و پیامبر ما حضرت محمد ﷺ نیز که آخرین آنها بود، برای تحقق چنین اخلاقی برانگیخته شد. هم‌چنان که آن حضرت می‌فرماید: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ؛ من برانگیخته شدم تا مکارم اخلاق را تکامل بخشم»^{*}.

در راستای این هدف یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های اصلی جامعه اسلامی، توسعه فرهنگ اهل بیت (علیهم‌السلام) در جامعه است. از نگاه اهل بیت (علیهم‌السلام) نیز غیرت و حفظ حریم خانواده از مباحث مهم اجتماعی است که در

*. طبرسی، مکارم الاخلاق، ص. ۸.

نحوه رفتار و منش انسان‌ها بسیار تاثیرگذار است. در بحث غیرت نیز باید دانست، اسلام وظایف خاصی بر عهده مردان نهاده است؛ از جمله تأمین نیازهای دینی، تأمین نیازهای علمی و فرهنگی، تأمین هزینه‌های اقتصادی، تأمین نیازهای روانی و غیرت‌ورزی که از وظایف اختصاصی مردها می باشد.

پیشگفتار

بدون شک پایبندی به مسائل اخلاقی، موجب حفظ سلامت روح و جسم انسان و تعالی معنوی او می‌شود و به جوامع انسانی تداوم و استواری می‌بخشد.

در این میان، غیرت یکی از شریف‌ترین فضیلت‌های اخلاقی و در اصطلاح به معنای دفاع از چیزهایی است که محافظت از آنها لازم است. اهل لغت، غیرت را به «ناموس پرستی» معنا کرده‌اند؛ یعنی این که انسان به ناموس خود تعصب داشته باشد. این فضیلت از آثار و لوازم شجاعت و بزرگ‌منشی است؛ یعنی از کرامت نفس و شجاعت فرد سرچشمه می‌گیرد. غیرت در مفاهیم دینی نیز یک ارزش است که متأسفانه امروزه با تغییر سبک زندگی ارزش و اعتبار خود را از دست داده و به نوعی ضد ارزش تبدیل شده است. همین امر در صورت تداوم به ترویج بی‌عفتی در خانواده و نیز جامعه منجر خواهد شد.

از مهمترین آثار کم‌رنگ شدن غیرت مردان، بی‌حجاب و بی‌عفت شدن زنان، گسست بین نسل‌ها، روابط مختلط و غیرمهار شده بین زن و مرد و در نتیجه فروپاشی خانواده‌هاست که منشأ مشکلات اجتماعی فراوانی شده است. وقتی غیرت مردانه فروکش کند، بی‌حجابی امری معمول جلوه کرده و مردان از بی‌حجابی همسران خود دچار آزار و اذیت نمی‌شوند. این در

حالی است که براساس آموزه‌های دینی ما، به زنان سفارش شده که خود را تنها برای شوهران‌شان زینت دهند.

در حدیثی از نبی مکرم اسلام ﷺ آمده است: «إِنَّ خَيْرَ نِسَائِكُمُ الْوَلُودُ، الْمُتَبَرِّجَةُ مَعَ زَوْجِهَا، الْأَحْصَانُ عَلَى غَيْرِهِ؛ بهترین زنان شما کسی است که برای شوهرش زینت کند؛ اما در برابر دیگران خود را بپوشاند».*
آن حضرت در جایی دیگر نیز می‌فرماید: «أَيُّمَا امْرَأَةٍ تُطَيَّبَتْ لِغَيْرِ زَوْجِهَا لَمْ تُقْبَلْ مِنْهَا صَلَاةٌ حَتَّى تَغْتَسِلَ مِنْ طَيِّبِهَا؛ هر زنی که خود را برای غیر شوهر، خوش بوسازد و زینت بخشد، نمازی از او پذیرفته نیست تا زمانی که آن بوی عطر و زینت را با شستن از خود دور کند».**

این نوشتار با گردآوری رهنمودهای اخلاقی از آموزه‌های قرآن کریم و روایت‌های نبوی و امامان معصوم علیهم‌السلام و نخبگان علم اخلاق، در راستای تقویت اخلاق اجتماعی و خانوادگی فراهم آمده و بر آن است که زمینه رشد و تعالی افراد را در عرصه خانواده و اجتماع به گونه‌ای فراهم آورد تا به تحکیم غیرت‌ورزی منجر گردد.

آنچه از نظر علاقه‌مندان به این کتاب خواهد گذشت، بحث پیرامون این فضیلت اخلاقی در پنج فصل است:
در فصل نخست به تعریف واژه غیرت و وجه تمایز و تشابه آن با حسادت، حمیت و عصبیت پرداخته شده و در انتها نیز تعریفی از واژه ی «بی‌غیرتی» ارائه شده است.

در فصل دوم به اقسام غیرت اعم از غیرت ناموسی، غیرت دینی و غیرت ملی اشاره شده است.

فصل سوم، نگاهی به غیرت از دیدگاه اسلامی دارد. در این فصل به نقل قول‌هایی از کتاب و سنت، پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، امام علی رضی‌الله‌تعالی‌عنه و نخبگان علم

*. علامه حلی، تحریر الاحکام، جلد ۳، ص. ۴۲۱.
**. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، جلد ۳، ص. ۴۴.

اخلاق در باب غیرت و در نهایت به مفهوم بی‌غیرتی از منظر سنت پرداخته شده است.

فصل چهارم در باب عوامل کاهش غیرت و رزی مردان در جامعه و کم‌رنگ شدن تقبیح اجتماعی بی‌غیرتی است. در اینجا لازم به ذکر است، علل و عوامل مختلفی را می‌توان در بحث از علل ضعف غیرت و رزی مردان در جامعه دخیل دانست، که برخی از آنها ثمره تغییر سبک زندگی در دهه گذشته است؛ با این وجود، به دلیل آن که در این جستار مجال پرداختن به همه آنها نیست، به برخی از مهمترین این دلایل پرداخته شده است. فصل پنجم و پایانی این اثر به درمان بی‌غیرتی اختصاص یافته و به برخی از مهمترین راه‌کارها و توصیه‌ها اشاره شده است.

امید است چاپ این اثر بتواند بخش بسیار اندکی از وظیفه‌ای که خداوند بر عهده همه ما در راستای حفظ ارزش‌های دینی و انسانی نهاده است را ایفا نماید و با مطالعه آن از سوی علاقه‌مندان به شعائر مذهبی و اصول اخلاقی، در راستای ارتقای ارزش‌های انسانی مؤثر باشد.

با عنایت به این که هیچ اثری بدون نقص نیست، لذا نویسنده این کتاب بر خود لازم می‌داند تا پیشاپیش از خوانندگان محترم طلب عفو نماید و تقاضا دارد که با ارائه نظرات ارزشمند خود موجبات ارتقای کیفی این اثر را فراهم آورند.

فرید نجف‌نیا

دی‌ماه ۱۳۹۳

۱۹
عزت
غیرت

واژه‌شناسی غیرت

فصل اول

الف) تعریف غیرت

غیرت در لغت، به معنای رشك بردن، تعصب و حفظ ناموس است.^۱ در اصطلاح، به معنی تأثیرپذیری همراه با بغض و کینه و تیرگی دل است که انسان معمولاً آن را زمانی درك می‌کند که احساس کند فرد محبوب وی، توجه یا محبتش را معطوف شخص دیگری کرده است.^۲ به عبارت دیگر، غیرت میزان حساسیت فرد در برابر پاکی و ناپاکی است و این صفت نسبت مستقیمی با خصلت عفت دارد و به قولی درجه غیرت هر کس به اندازه درجه عفت او، و میزان عفت هر کس به قدر غیرت او است.^۳

ب) غیرت و حسادت

در این که ریشه غیرت چیست؟ و آیا می‌توان حسادت را ریشه غیرت شمرد؟ شماری بر این باورند و می‌گویند: «غیرت همان حسادت است که تغییر اسم داده و انسان چون حس حسادت دارد، حمله و اهانت و دشنام و ناسزاگویی به آنچه را که عشق می‌ورزد و علاقه دارد بر نمی‌تابد، لذا در برابر یورش‌گران و ناسزاگویان به سختی قدم می‌افرازد و غیرت می‌ورزد».

۱. حسن عمید، فرهنگ عمید، جلد ۳، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۲، ص. ۱۷۹۳.
 ۲. محمد عثمانی نجاتی، قرآن و روان‌شناسی، ترجمه: عباس عرب، مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۶۷، ص. ۱۳۵.
 ۳. روح‌الله بیگی، ارزش‌های اجتماعی در قرآن، قم: سازمان اوقاف و امور خیریه اسوه، ۱۳۸۹، ص. ۱۹۲.

شهید مطهری رحمته‌الله علیه در این باره می‌نویسد: «حسادت و غیرت دو صفت کاملاً متفاوتند و هر کدام ریشه‌ای جداگانه دارند. ریشه حسادت، خودخواهی است و از غرایز و احساسات شخصی می‌باشد، ولی غیرت یک حس اجتماعی و نوعی است و فایده و هدفش متوجه دیگران است. غیرت، نوعی پاسبانی است که آفرینش در وجود بشر نهاده است. غیرت، یک شرافت انسانی و یک حساسیت انسانی نسبت به پاکی و طهارت جامعه است. انسان غیور همان‌طور که راضی نمی‌شود دامن ناموس خودش آلوده گردد، راضی نمی‌شود دامن ناموس اجتماع هم آلوده شود؛ زیرا غیرت غیر از حسادت است. حسادت یک امر شخصی و فردی و ناشی از یک سلسله عقده‌های روحی است، اما غیرت یک احساس و عاطفه نوع بشری است. این خود دلیل است که غیرت از خودپرستی ناشی نمی‌شود»^۱.

ج) غیرت و حمیت

واژه «حمیت» در اصل از ماده «حَمَى» به معنای حرارتی است که از آتش یا خورشید یا بدن انسان و مانند آن پدید می‌آید. به همین جهت به حالت تب «حُمَى» گفته می‌شود و به حالت خشم و تعصب خشم‌آلود «حمیت» گویند. حمیت بردو گونه است:

الف. حمیت پسندیده، و آن در جایی به کار می‌رود که نگاهداشت آن بر فرد لازم است و آن عبارت است از حفاظت از دین، خانواده و وطن. این گونه پاسداشت و حمیت را «غیرت» می‌نامند و این نوع از حمیت مثبت و سازنده است و در ردیف مکارم اخلاقی به شمار می‌رود.

ب. حمیت ناپسند، و آن حالت روگردانی از حق و زورگویی و غارت‌گری است که از آن به «عصبیت» و حمیت جاهلی یاد می‌شود. ریشه این خوی زشت خشم و غضبی است که همراه با خودبینی، خودشگفتی و خودبزرگ بینی باشد.^۲

۱. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، جلد ۱۹، تهران، صدرا، ۱۳۷۸، ص. ۴۱۴.
 ۲. ابوالقاسم یعقوبی، «غیرت حسینی»، نشریه پاسدار اسلام، شماره ۳۲۵، دی ۱۳۸۷، ص. ۲۵.

بدون شک حمیت مثبت و سازنده خواستگاه «غیرت» است. امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «عَلَى قَدْرِ الْحَمِيَّةِ تَكُونُ الْغَيْرَةُ؛ غیرت هر کس به اندازه حمیت اوست»^۱.

ایشان در جای دیگر نیز می‌فرماید: «شَجَاعَةُ الرَّجُلِ عَلَى قَدْرِ هَمَّتِهِ وَغَيْرَتُهُ عَلَى قَدْرِ حَمِيَّتِهِ؛ شجاعت مرد همسان همت اوست و غیرت او هم‌تراز حمیت او»^۲.

د) غیرت و عصبیت

عصبیت و تعصب به معنای جانبداری از شخص، جریان، مرام و اندیشه‌ای است که آدمی به آن گرویده است و به آن جمعی که دارای سازمان و تشکیلات گروهی باشند و دسته جمعی از یکدیگر طرفداری کنند «عصابه» گویند.^۳

عصبیت مانند «حمیت» به دو گونه مثبت و منفی است. تعصب ناپسندی که دارنده آن گناهکار به شمار می‌رود، آن است که بدی خویشان خویش را نیک ببیند و آن بدی‌ها را بر نیکی دیگران برتری دهد، لکن دوست داشتن و طرفداری از خویشان امری پسندیده است. آنچه مصداق «عصبیت» منفی است آن است که کسی قوم و قبیله‌اش را برستم وستمگری یاری رساند. درد دین داشتن، در گسترش ارزش‌ها کوشیدن، جبهه حق را قدرت بخشیدن، ستم‌دیدگان را یاری رساندن، و از حق و حقیقت حمایت کردن، مصداق‌های روشن و گویایی از «تعصب مثبت» هستند که در کلام امام علی علیه السلام به آن اشارت شده است: «إِنْ كُنْتُمْ لَامِحَالَةً مُتَعَصِّبِينَ فَتَعَصَّبُوا لِنُصْرَةِ الْحَقِّ وَإِعَاثَةِ الْمَلْهُوفِ؛ اگر قرار است از خود

۱. ابوالقاسم یعقوبی، «غیرت دینی از نگاه ملا احمد نراقی»، نشریه حوزه، شماره ۱۰۸ و ۱۰۷، آذر و اسفند ۱۳۸۰، ص. ۱۲۶.

۲. همان، ص. ۱۳۲.

۳. ابوالقاسم یعقوبی، «غیرت حسینی»، همان، ص. ۲۳.



تعصّب نشان بدهید، آن را در راستای یاری حق به کار گیرید»^۱.
بدین سان روشن شد که حمیت، عصیّت و غیرت اگر درست و به جا به کار رود، پیامدهای سازنده و سودمندی در جامعه دینی به دنبال خواهد داشت.

ه) تعریف بی غیرتی

مرحوم نراقی رحمته الله علیه، معلم بزرگ اخلاق می گوید: «بی غیرتی عبارت است از کوتاهی در محافظت از دین و آبرو و اولاد و اموال، و این مرض از مهلکات عظیم و صفات خبیثه است». پیامبر صلی الله علیه و آله نیز در این رابطه می فرماید: «اگر مردی در اهل خانه خود مطلبی که منافی عفت باشد ببیند و به غیرت نیاید، روح ایمان از او مفارقت می کند». حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه به مردم عراق فرمود: «شنیده ام که زنان شما در راه ها و بازارها با مردان نامحرم به گفتگو می پردازند و شانه به شانه یکدیگر راه می روند! آیا حیا نمی کنید؟!»

بنابراین معنا و مفهوم بی غیرتی عبارت است از: «کوتاهی و اهمال در محافظت از آنچه نگاهبانی آن لازم است، از دین و عرض (ناموس و آبرو) و اولاد و اموال، که آن هم از نتایج کوچکی و ضعف نفس است که از مهلکات بزرگ به شمار می رود»^۲.

همچنان که غیرت یکی از ملکه های نفسانی انسان و سبب مردانگی است، مرد بی غیرت از زمره مردان خارج است. نظامی در این رابطه می گوید:

وگر بی غیرتی نامرد باشی^۳

اگر غیرت بزی با درد باشی

۱. همان، ص. ۲۴.

۲. ملا احمد نراقی، معراج السعاده، چاپ اول، قم: هجرت، ۱۳۷۱، ص. ۱۶۳.

۳. مهدی نراقی، جامع السعادات، جلد اول، ترجمه: سید جلال الدین مجتبوی، چاپ چهارم، تهران: جاویدان، ۱۳۷۷، ص. ۳۰۱.

۲۵
عزت
غیرت

اقسام غیرت

فصل دوم



شاید بتوان انواع غیرت را به تعداد پدیده‌هایی که نزد انسان تقدس و حرمت دارد، گسترش داد که در این صورت از مرز شمارش فراتر می‌رود. اما از دیدگاه دیگر می‌توان همه پدیده‌های مقدس را در قالب دین، ناموس و آبرو و میهن خلاصه کرد که در نتیجه، غیرت به سه نوع دینی، ناموسی و ملی تقسیم می‌شود. ذکر این نکته الزامی است که در این تقسیم‌بندی تاکید بیشتر بر غیرت ناموسی است.

الف) غیرت ناموسی

یکی از مصادیق غیرت که مورد تأیید دین و انسانیت است، دفاع از ناموس است که از آن به عنوان غیرت ناموسی یاد می‌شود و امروزه یکی از بازرترین و پربحث‌ترین موارد غیرت در جامعه انسانی و اسلامی است که متأسفانه دچار افراط و تفریط‌های بسیاری نیز شده است. البته این غیرت تنها برای دینداران نیست، بلکه هر انسانی نسبت به ناموس خود حساس است و انسانیت هر انسانی به اصل این غیرت حکم می‌کند. غیرت ناموسی از زمان‌های قدیم وجود داشته است. در تمدن‌های باستان، غیرت در خانواده‌های متمول و قدرتمند بروز بیشتری داشت و کسی را یارای دست اندازی به ناموس بزرگان نبود و به همین جهت حجابی نیز برای آنها وجود داشت؛ از این باب در سنگ تراشه‌هایی که از آن دوران باقی مانده، تصویر زنان به صورت باحجاب آمده است.

در مقابل اینان، امروزه بی‌غیرتی و بی‌عفتی در بعضی جوامع و برخی خانواده‌هایی که خود را متمدن نیز می‌دانند به اوج رسیده و از غیرت، گاه تنها نامی بر جا مانده و حتی گاهی شعاری بی‌غیرتی را سر می‌دهند. در این شرایط خانواده به عنوان یک مفهوم مقدس، برای بسیاری بی‌ارزش شده و خوی حیوانی، غلبه چشمگیری بر خوی انسانی گرفته و با نام آزادی انسان، هرزگی را رواج و نابودی انسانیت را سبب می‌شوند.

البته در بعضی از محیط‌های مذهبی نیز گاه این بی‌غیرتی‌ها، سردرآورده و خودنمایی می‌کند و بد این‌که، بر این بی‌غیرتی نماد دین می‌زنند و آن را مطابق دین می‌دانند و خواسته‌های دین را بر اساس خواسته‌های نفسانی، تفسیر و تحلیل می‌کنند. اما آنچه دین از ما خواسته، رهایی از افراط و تفریط است. از یک جهت نباید بی‌حجابی و بی‌غیرتی را رواج داد که این موجب بی‌حیایی و نابودی غیرت انسانی و دینی است؛ از جهت دیگر، نباید زن را از حضور در اجتماع دور کرد و او را موجودی کم‌ارزش و کم‌اهمیت دانست و در خانه زندانی کرد، بلکه زن نیز می‌تواند در اجتماع حضور داشته باشد، وارد عرصه علمی و اجتماعی شود و در جامعه زندگی کند و در عین حال اجازه ندهد که از او سوء استفاده شود. امام علی علیه السلام در مورد افراط در غیرت می‌فرماید: «بپرهیزید از غیرتمندی در غیر موضع غیرت (افراطی‌گری و سخت‌گیری‌های نابه‌جا) که همانا این، زن پاک و صحیح را به مریضی و آلودگی فرا می‌خواند»^۱.

از حدیث دیگری اعتدال به وضوح فهمیده می‌شود: «شخصی به امام موسی کاظم علیه السلام عرض کرد: همسرم و همسر ابن‌مارد برای شرکت در مجلس ختم از خانه خارج شدند و من آنها را از این کار نهی کردم. همسرم به من گفت: «اگر این کار حرام است، ما را نهی کن تا ترکش کنیم و اگر حرام نیست پس چرا ما را نهی می‌کنی...» امام فرمود: «از چیزی که حق

۱. نهج البلاغه، ص. ۴۰۵.



آنها است از من سؤال می‌کنی؟ همانا پدرم امام صادق علیه السلام، مادرم و ام فروه (همسر دیگر امام صادق) را می‌فرستاد تا حقوق اهل مدینه را ادا کنند (به مراسمات بروند، به عیادت مریض بروند و ...)»^۱.

غیرت معتدل، در حوادث دینی بسیاری نمایان است. یکی از آنها، واقعه کربلا است که غیرت را به وضوح می‌توان در آن مشاهده کرد. وقتی امام حسین علیه السلام در حال جنگ بود و دشمن به سمت خیمه امام حمله برد، این گونه به آنها می‌فرماید: «من با شما می‌جنگم و شما با من می‌جنگید، زن‌ها تقصیری ندارند، متجاوزان و نادانان و گمراهان خود را از رفتن به سوی خیمه‌ها باز دارید و تا زنده‌ام متعرض حرم من نشوید»^۲.

این کلام از غیرت امام بود که در همان حال هم از کار ناجوانمردانه سپاه دشمن برآشفت و اعتراض کرد و تا زنده بود، نتوانست تحمل کند که نامردان به حریم ناموس او نزدیک شوند. از طرف دیگر در زمان اسارت اهل بیت علیهم السلام، وقتی حضرت زینب علیها السلام لب به سخن می‌گشاید و سخنانی را ایراد می‌کند، امام سجاد علیه السلام با او مخالفت نمی‌کند و او را از این کار باز نمی‌دارد.

علاوه بر این‌ها، گفتارها و کردارهای دیگری نیز هست که اشاره دارد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه راه افراط و تفریط در ناموس پرستی را رها کرده و تلاش کرده‌اند اعتدال را در مورد ناموس خود حفظ کنند و ما نیز با دانستن اصولی که در اسلام مسلم فرض شده‌اند و با رهایی از خرافات و امیال نفسانی، می‌توانیم به راه اعتدال برسیم.

اسلام در راستای همین غیرت ناموسی، حجاب را به عنوان یک اصل از مسلمانان خواسته و رعایت آن را الزامی دانسته است. البته در موقعیت‌ها و فرهنگ‌های مختلف، حجاب معانی متفاوتی را به خود می‌گیرد. گاه این

۱. ثقة الإسلام محمد بن یعقوب کلینی، شرح الاصول من الکافی، جلد ۵، محقق و مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.، ص. ۵۳۵.

۲. سید علی بن موسی ابن طاووس، اللهوف علی قتل الطفوف، ترجمه: دکتر عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، قم: نوید اسلام، ۱۳۹۱، ص. ۱۲۰.

حجاب به صورت چادر نمایان می‌شود و گاه در بعضی محیط‌ها مانند کشورهای غربی و محیط‌های غیرمذهبی، مصداق دیگری می‌گیرد و حتی رعایت حجاب با غیرچادر در آن موقعیت‌ها، بهتر است؛ زیرا هم می‌توان واجب اسلامی را رعایت کرد و هم از انگشت‌نما شدن پرهیز کرد.^۱

ب) غیرت و تعصب دینی

غیرت دینی، به این معناست که انسان مسلمان اهمیت خاصی نسبت به کیان اسلام و آنچه بدان مربوط می‌شود داشته باشد، با تمام توان در اثبات و اجرای آن بکوشد و از کوچک‌ترین خدشه و تعرضی نسبت به آن جلوگیری کند. بر این اساس، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، سفارش به حق و صبر، تعلیم و تعلم و... می‌تواند در راستای غیرت دینی قرار گیرد، چرا که هر یک از موارد یاد شده از یک سو، در تحکیم احکام اسلام مؤثر است و از سوی دیگر، با ضد احکام اسلامی سرستیز دارد. نماد و اسوه این غیرت، پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام هستند که تمام دغدغه‌شان برپائی دین الهی بوده است. این غیرت در تمام ادیان آسمانی یافت می‌شود که متأسفانه در مقام عمل، با افراط و تفریط‌های گسترده‌ای همراه بوده است. مسلمانان نیز از این قاعده مستثنی نیستند و در همان سال‌های نخستین تا به امروز، این افراط و تفریط‌ها، موجب تنش‌ها و صدمه‌های بسیاری شده است. در جمله‌ای کوتاه، غیرت و تعصب دینی موجب می‌گردد که انسان، دین و دیانت را به عنوان چیزی محبوب و مورد علاقه خود به حساب آورد و آن‌گاه از حریم آن دفاع کند و در مقابل حرمت‌شکنان و متجاوزان به آن بایستد. به عبارت دیگر، تا غیرت دینی نباشد، نه امر به معروف و نهی از منکر معنا می‌یابد و نه دفاع از دین، حفظ حدود الهی، محافظت از حلال، دوری از حرام، مبارزه با گناه و بدعت و... مفهوم پیدا می‌کنند. با توجه به این نکته اساسی است که امیرمؤمنان علی علیه‌السلام فرمود: «... فَإِذَا حَضَرَتْ بَيْلَتُهُ فَاجْعَلُوا أَمْوَالَكُمْ دُونَ أَنْفُسِكُمْ،

۱. بی نام، «غیرت چیست؟ آیا می‌توان از آموزه‌های دینی غیرت را به دست آورد؟»، وب سایت اسلام کوئست، ۲۱ آبان ۱۳۹۱.

وَإِذَا نَزَلَتْ نَارُ اللَّهِ فَاجْعَلُوا أَنْفُسَكُمْ دُونَ دِينِكُمْ، وَاعْلَمُوا أَنَّ الْهَالِكَ مَنْ هَلَكَ دِينُهُ وَالْحَرِيبَ مَنْ حُرِبَ دِينُهُ؛ آن‌گاه که حادثه‌ای پیش آمد، اموالتان را سپر جانتان قرار دهید و در حفظ آن بکوشید؛ اما اگر حادثه‌ای پیش آمد که دینتان در معرض خطر قرار گرفت، جانتان را فدای دینتان سازید؛ زیرا کسی که دینش از بین برود، نابود است و غارت زده، کسی است که دینش به غارت برود»^۱.

ج) غیرت ملی

مراد از «غیرت ملی» احساس مسؤولیت در برابر تمامیت ارضی کشور اسلامی و دلسوزی و حمایت از مسلمانان و عزت و شرف آنان است که به شکلی با «غیرت دینی» و «غیرت ناموسی» نیز پیوند دارد.

ناگفته مشخص است که «ملی‌گرایی» به معنای امروزی از نظر اسلام محکوم و نامعقول است؛ ولی وطن‌دوستی و مشارکت در دفاع از میهن و هم‌میهنان مسأله‌ای است که با سرشت انسانی عجین و از سوی اسلام نیز به رسمیت شناخته شده است و این روایت نیز گواه آن می‌باشد: «حُبُّ الْوَطَنِ مِنَ الْإِيمَانِ؛ وطن‌دوستی از ایمان است»^۲.

پس از جنگ صفین و فتنه حکمیت، نیروهای معاویه یک سلسله عملیات ایدایی در نوار مرزی و شهرهای تحت فرمان امیرمؤمنان علی ع انجام دادند، آن حضرت از چنین جسارتی بسیار دلگیر شد و با جدیت از نیروهای خویش خواست که به این حملات پاسخ دهند و پس از آن‌که شنید ضحاک بن قیس به زائران خانه خدا حمله کرده و اموالشان را به غارت برده است، به مردم فرمود:

«... لَا يَدْرُكُ الْحَقُّ إِلَّا بِالْجِدِّ أَيْ دَارِ بَعْدَ دَارِكُمْ تَمْنَعُونَ وَمَعَ أَيْ إِمَامٍ بَعْدِي تُقَاتِلُونَ؛ حق، جز در سایه تلاش و کوشش به دست نمی‌آید، پس از (تصرف

۱. محمود اکبری، غیرتمندی و آسیبها، قم: گلستان ادب، ۱۳۸۱، ص ۷۴.

۲. محیی‌الدین ابن عربی، رحمة من الرحمن فی تفسیر و اشارات القرآن، جلد ۲، ترجمه و شرح: قاسم میرآخوری، تهران: فهرست، ۱۳۹۰، ص ۳۱۰.



و غارت) این میهن از چه دیاری دفاع خواهید کرد و بعد از من، همراه کدام پیشوا خواهید جنگید؟»^۱

امام خمینی علیه السلام در این باره چنین فتوا داده است: «اگر دشمنی به کشور اسلامی یا مرزهای آن حمله کند و اسلام و جامعه اسلامی مورد خطر قرار گیرد، بر مسلمانان واجب است که به هر وسیله ممکن و با بذل جان و مال از آن دفاع کنند».^۲

۱. عباس قمی، سفینه البحار و مدینه الحکم والاثر، جلد ۲، تهران: اسوه، ۱۳۸۶، ص ۶۶۸.

۲. علی اصغر الهامی نیا، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران: مرکز تحقیقات اسلامی سپاه، ۱۳۷۸، ص ۵۳.

۳۳
عزت
و غیرت

نگاهی به عفت و غیرت
از دیدگاه اسلام
(سیردرآیات قرآن و روایات)

فصل سوم



الف) اهمیت غیرت در کتاب و سنت

از منظر اسلام، غیرت در مورد عفت زنان مؤمن خویشاوند و غیرخویشاوند و حتی زنان غیرمؤمن و دفاع از عفت آنها لازم و سعی در حفظ و حراست از عفت عمومی واجب است. همچنان که اشاعه فحشا از گناهان کبیره و مهلك است.^۱

چنان که قرآن می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ...؛ همانا کسانی که دوست دارند فحشا در بین کسانی که ایمان آورده‌اند، شایع گردد، برای آنها در دنیا و آخرت کیفری دردناک است».^۲

قرآن برای این عفت، اهمیت بسیاری قائل است؛ اولاً به خاطر مهم دانستن و جاهت مسلمانان، بر تازیانه زدن بر زن و مرد زناکار امر فرموده و به آن بسنده نکرده، بلکه امر کرده است تا گروهی از مؤمنان، در محل اجرای حکم، حضور یابند و ناظر آن باشند؛ «الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلِيَشْهَدَ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ؛ به هر یک از زن و مرد زناکار، صد تازیانه بزنید و در [اجرای] دین خدا نسبت به

۱. حسین مظاهری، کاوشی نو در اخلاق اسلامی و شئون حکمت عملی، جلد دوم، ترجمه: حمیدرضا آذرب، تهران: مؤسسه نشر و تحقیقات ذکر، ۱۳۸۴، ص ۷۳.

۲. قرآن / نور / ۱۹

آنها رأفت روا مدارید، اگر به روز خدا و روز بازپسین ایمان دارید و باید گروهی از مؤمنان شاهد کیفر آن دو باشند»^۱.

دوم آن‌که، از نگاه به نامحرم نهی کرده و آن را تیری از تیرهای ابلیس شمرده است؛ «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ...؛ به مردان مؤمن بگو تا چشمهایشان را [از نگاه ناروا] بپوشند و دامانشان را از آلودگی به گناه حفظ کنند که این برای آنها بهتر است. همانا خدا از آنچه می‌کنند آگاه است و به زنان مؤمن بگو تا چشمهایشان را [از نگاه ناروا] بپوشند و دامان خود را [از گناه] حفظ کنند»^۲.

سوم آن‌که، از معاشرت و رودررویی زنان با مردان، جز در موارد ضروری نهی فرموده است؛ «... وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ؛ ... و هنگامی که چیزی از زنان می‌خواهید، از پشت پرده بخواهید که این برای دل‌های شما و دل‌های آنها پاکیزه‌تر است»^۳.

چهارم آن‌که، زنان را از آرایش کردن برای جلب نظر نامحرم نهی کرده است؛ «... وَلَا تَبْرُجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى؛ ... شما زنان، مانند زمان جاهلیت پیشین، آرایش مکنید»^۴.

پنجم آن‌که، زنان را از نرم و نازک کردن صدا و لحن کلام و باز سخن گفتن منع کرده است؛ «... فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعُ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا؛ ... پس شما زنان، به نرمی و ظرافت، با مردان سخن مگویید، تا آن‌که دلش بیمار است به طمع افتد، بلکه پسندیده سخن گویند»^۵.

۱. قرآن: نور / ۲.

۲. قرآن: نور / ۳۰، ۳۱.

۳. قرآن: احزاب / ۵۳.

۴. قرآن: احزاب / ۳۳.

۵. قرآن: احزاب / ۳۲.

ششم آن‌که، زنان را به رعایت حجاب فرمان داده است: «یا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يَعْرِفْنَ فَلَا يُؤْذِينَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِيماً؛ ای پیامبر! به همسرانت و دخترانت و زنان مؤمن بگو که خود را با چادر فروپوشند. این کار برای این‌که شناخته نشوند و مورد آزار قرار نگیرند، نزدیک تر است و خدا بسیار بخشنده و مهربان است»^۱.

اگر جز این آیات، دستور دیگری در اسلام وجود نداشت، برای پی بردن به اهمیت حفظ عفت عمومی کافی بود. از این رو در روایات آمده است: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى غَيُورٌ يُحِبُّ كُلَّ غَيُورٍ، وَمَنْ غَيْرَتَهُ حَرَّمَ الْفَوَاحِشَ ظَاهِرَهَا وَبَاطِنَهَا؛ همانا خداوند، غیور است و تمامی غیوران را دوست می‌دارد، و از غیرت اوست که اعمال ناشایست آشکار و پنهان را حرام کرده است»^۲.

ب) غیرت دینی از نگاه پیامبر اکرم ﷺ

از منظر رسول خدا ﷺ، «ایمان» مهمترین و برجسته‌ترین علامت و نشانه غیرتمندی است. آن حضرت در کلام کوتاه و پرمعنایی به این مطلب چنین اشاره کرده است: «إِنَّ الْغَيْرَةَ مِنَ الْإِيمَانِ؛ همانا غیرت از ایمان است»^۳.

و نیز در جای دیگر فرمود: «الْغَيْرَةُ مِنَ الْإِيمَانِ وَالْبَدَاءُ مِنَ الْإِنْفَاقِ؛ غیرت، نشانه ایمان، و فحاشی و بد‌دهنی، علامت نفاق است»^۴.

از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: «جمعی از اسیران دشمن را به حضور رسول خدا ﷺ آوردند. آن حضرت بنا به صلاح و مصلحت، دستور اعدام آنها را صادر کرد؛ ولی از آن جمع، یکی از آنان را آزاد کرد. وی که از رفتار پیامبر ﷺ به

۱. قرآن: احزاب / ۵۹.

۲. شیخ محمد بن حسن حر عاملی، وسایل الشیعه، ج ۱۴، قم: نشر مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۰۹ق، ص ۲۵۳.

۳. همان، جلد ۲۰، ص ۱۵۴.

۴. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، جلد ۶۸، تحقیق و تعلیق: سید جواد علوی، تهران: دارالکتب اسلامیة، ۱۳۶۲ ق. ص ۳۴۲.

شگفت آمده بود، پرسید: چرا مرا آزاد کردی؟ پیامبر خدا ﷺ فرمود: «جبرئیل به من خبر داد که تو دارای پنج خصلت هستی که خدا و رسولش، آنها را دوست دارند. آن خصلت‌های پنج گانه عبارتند از: ۱. غیرتمندی برای همسر و خانواده؛ ۲. سخاوت؛ ۳. نیک خلقی؛ ۴. راستگویی؛ ۵. شجاعت»^۱.

در حدیثی دیگر از پیامبر اکرم ﷺ می‌خوانیم: «كَانَ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ غَيُورًا وَ أَنَا أُغْيِرُ مِنْهُ وَ جَدَعَ اللَّهُ أَنْفَ مَنْ لَا يَغَاوُزُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُسْلِمِينَ؛ پدرم حضرت ابراهیم مرد غیوری بود و من از او غیورترم. همانا خداوند بینی مؤمنانی را که غیرت ندارند، به خاک بمالد»^۲.

در حدیث دیگری از رسول خدا ﷺ نیز آمده است که فرمود: «إِنِّي لَغَيُورٌ وَاللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَغْيِرُ مِنِّي وَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحِبُّ مَنْ عِبَادُهُ الْغَيُورُ؛ من غیورم و خداوند از من غیورتر است و خداوند بندگان غیورش را دوست دارد».

در این باره روایت است، روزی ابن مکتوم، که یکی از یاران پیامبر و مردی نابینا بود، به خانه رسول خدا ﷺ آمد. دو تن از همسران آن حضرت (عایشه و حفصه) در کنار پیامبر بودند و با ورود او پوشش اسلامی را رعایت نکردند. بعد از رفتن آن مرد، پیامبر ﷺ آنان را سرزنش کرد که: «چرا حجاب خود را رعایت نکردید؟» آنان گفتند: «او که ما را نمی‌دید!». حضرت فرمود: «آیا شما هم او را نمی‌دیدید؟ شما که نابینا نیستید»^۳.

بنابراین می‌توان گفت، آن حضرت نه تنها نسبت به ناموس خود غیرتمند بود، بلکه برای غیرتمندان ارزش ویژه‌ای قائل بود و مردانی را که به عفت و پاکی دختران و همسرانشان بی‌تفاوت اند، لعن کرده است.^۴

۱. محمد بن علی بن بابویه شیخ صدوق، خصال، جلد ۱، ترجمه: صادق حسن زاده، تهران: ارمغان طوبی، ۱۳۸۴، ص. ۳۱۳.

۲. محمد باقر مجلسی، همان، جلد ۱۰۰، ص. ۸۴۲.

۳. عبدالکریم پاک نیا، «معاشرت با نامحرم از نگاه نبوی»، فرهنگ کوثر، شماره ۶۸، زمستان ۱۳۸۵، ص. ۴۰.

۴. محمود اکبری، همان، ص. ۹۲.

ج) غیرت دینی در کلام امیرالمؤمنین علی علیه السلام

غیرت در کلمات نورانی امیرمؤمنان علی علیه السلام از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. آن حضرت در این باره می‌فرماید: «مَنْ لَا يَغَارُ فَإِنَّهُ مَنَكُوشُ الْقَلْبِ؛ کسی که غیرت نوزد، قلب چنین فردی واژگونه است؛ یعنی کور و بسته است و قابلیت پذیرش نور الهی و نصایح دین را ندارد». نیز آن حضرت دستور داد که دو رکعت نماز بخوانید، و در قنوت آن عرض کنید: «اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي زَوْجَةً قَتُوعاً غَيْرُوراً؛ خداوندا! همسر اهل قناعت و غیرتمند به من عنایت فرما». یعنی چنین دعایی مطلوب است و همسر قانع و غیرتمند، دارای ارزش ممتاز خواهد بود.

نیز در ضمن گفتاری فرمود: «قَدَرُ عَفَّةِ الرَّجُلِ عَلَى قَدَرِ غَيْرَتِهِ؛ اندازه عفت انسان به اندازه غیرت او است». بنابراین رعایت اندازه کمال عفت، بستگی به کمال غیرت دارد. و اگر کسی به هر اندازه از غیرت بی بهره باشد، به همان اندازه از عفت ناموسی بی بهره خواهد بود.^۱

همچنین در بخشی از وصایای آن حضرت به امام حسن علیه السلام آمده است: «إِيَّاكَ وَالتَّغَايِرَ فِي غَيْرِ مَوْضِعِ الْغَيْرَةِ فَإِنَّ ذَلِكَ يَدْعُو الصَّحِيحَةَ مِنْهُنَّ إِلَى السَّقَمِ وَلَكِنْ أَحْكِمْ أَمْرَهُنَّ، فَإِنْ رَأَيْتُ عَيْباً فَعَجِّلِ التَّنْكِيرَ عَلَى الْكَبِيرِ وَ الصَّغِيرِ؛ از غیرت و وزیدن نابجا پرهیز که زنان پاکدامن را به گناه وامی‌دارد، اما کار آنان را محکم کن و اگر عیبی، کوچک یا بزرگ دیدی به سرعت با آن مخالفت کن».^۲

حضرت علی علیه السلام درباره رابطه بین عفت و غیرت نیز می‌فرماید: «ارزش مرد به اندازه همت او، صداقتش به مقدار جوان مردی‌اش، شجاعتش به میزان احساس مردانگی و عفتش به اندازه غیرت اوست».^۳

۱. محمد محمدی اشتهاردی، «عفت در سیره پیشوایان»، نشریه پاسدار اسلام، شماره

۲۵۸، خرداد ماه ۱۳۸۲، ص. ۳.

۲. حسین مظاهری، همان.

۳. نهج البلاغه، حکمت ۴۴.

مولا علی علیه السلام اختلاط و گفتگوی مردان با زنان نامحرم را سبب نزول بلا و بدبختی و انحراف دل‌ها دانسته است.^۱ در عصر خلافت آن حضرت بود که گزارش رسید در مسیر راه‌ها بعضی از مردان و زنان رعایت حریم عفت را نمی‌کنند، ایشان بسیار ناراحت شد. مردم کوفه را جمع کرد، در ضمن سخنرانی به آنها فرمود: «تُبَيِّتُ أَنْ نِسَائِكُمْ يُدَافِعَنَّ الرِّجَالَ فِي الطَّرِيقِ، أَمَّا تَسْتَحْيُونَ؟ لَعَنَّ اللَّهُ مَنْ لَا يَغَارُ؛ به من خبر رسیده که زنان شما در مسیر راه‌ها به مردان تنه می‌زنند، آیا حیا نمی‌کنید؟! خداوند لعنت کند کسی را که غیرت نمی‌ورزد».^۲

د) بی غیرتی از منظر سنت

دین مبین اسلام همان‌گونه که رفتار ناهنجار زنان در اجتماع را تقبیح می‌نماید، بر نقش مردان در کنترل و حفظ نوامیس شان نیز تاکید بسیار دارد؛ چیزی که از آن در متون دینی «غیرت» یاد می‌شود. یعنی مؤمن نباید نسبت به اطرافیان خود بی تفاوت باشد، چرا که خداوند «غیور» است و بی غیرتی را نمی‌پسندد. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: «دل مرد بی غیرت، وارونه و سر به زیر است».^۳

در روایات دیگر نیز چنین آمده است، مردی که در مورد رفتار ناسالم جنسی همسرش بی تفاوت باشد، از سوی فرشتگان «بی غیرت» نام گرفته است. از چنین مردی به عنوان «منکوس القلب» (کج سرشت و وارونه دل) یاد شده که روح ایمان از او گرفته شده و خداوند از او بیزار است؛ بهشت بر چنین فردی حرام و عذاب دوزخ برای او فراهم آمده است.^۴

۱. محمد باقر مجلسی، همان، جلد ۷۴، ص. ۲۹۱.

۲. محمد محمدی اشتهاردی، همان.

۳. شیخ محمد بن حسن حر عاملی، همان، جلد ۲۰، ص. ۱۵۳.

۴. همان، جلد ۲، ص. ۱۵۳.

۵) غیرت دینی از منظر نخبگان علم اخلاق

در تعریف اصطلاحی غیرت، اختلاف چندانی بین نخبگان علم اخلاق وجود ندارد. آنچه در زیر می آید، برخی از همین تعاریف عالمان علم اخلاق است: ملاحمد نراقی رحمته الله علیه در این باره می گوید: «غیرت از شرایف ملکات و فضایل صفاتی است که آدمی نگاهبانی کند از دین، و عرض آبرو. و اولاد و اموال خود را و برای محافظت و نگاهبانی هر یک، طریقه ای است که صاحب غیرت و حمیت، از آن تجاوز نمی کند»^۱.

علامه طباطبایی رحمته الله علیه در تفسیر المیزان گفته است: «غیرت عبارت است از دگرگونی انسان از حالت عادی و اعتدال؛ به طوری که انسان را برای دفاع و انتقام از کسی که به یکی از مقدساتش - اعم از دین، ناموس و یا جاه و امثال آن - تجاوز کرده، از جای خود می کند. این صفت غریزی، صفتی است که هیچ انسانی به طور کلی از آن بی بهره نیست. پس غیرت یکی از فطریات آدمی است و اسلام هم دینی است که بر اساس فطرت تشریح شده و آن امور فطری را تعدیل می کند. آن تعدادش را که در حیات بشر لازم و ضروری است، معتبر و واجب می سازد و آنچه غیر ضروری است، حذف نموده، از اعتبار می اندازد»^۲.

آن عالم وارسته در جای دیگر می نویسد: «اولا، اسلام مسئله غیرت و تعصب را باطل معرفی نکرده، بلکه اصل آن را حفظ نموده؛ زیرا غیرت ریشه در فطرت انسان دارد و اسلام هم دین فطرت است؛ ولی در جزئیات آن، دخالت کرده و فرموده است: «آن قدر از غیرت و تعصب که مطابق با فطرت نیست، و شاخ و برگگی که اقوام به آن داده اند، باطل است.

ثانیا، همین ودیعه فطری - یعنی غیرت - را از هر سویی به سوی خدای متعال برگردانیده و سپس موارد بسیاری را در یک قالب که همان توحید

۱. ملاحمد نراقی، همان، ص ۴۶۱.

۲. محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، جلد ۴، ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی، تهران: بنیاد علمی فکری علامه طباطبایی، ۱۳۶۷، ص ۸۲.

می‌باشد، ریخته است. به عبارت واضح‌تر، هر جا که تعصب ورزیدن خداپسندانه باشد، باید تعصب ورزید و هر جا که موجب خشنودی خدا نباشد، نباید غیرت ورزید.^۱

شهید مطهری در توضیح سخن علی علیه السلام که فرمود: «انسان شریف و غیور، هرگز زنا نمی‌کند»^۲، می‌نویسد: «غیرت یک شرافت انسانی و یک حساسیت انسانی نسبت به پاکی و طهارت جامعه است»^۳.

وی در جای دیگر در پاسخ به اعتراض‌کنندگان به غیرت می‌نویسد: «پیشنهاد این‌که انسان به عنوان مبارزه با خودخواهی، غیرت را کنار بگذارد، درست مثل این است که پیشنهاد شود غریزه علاقه به فرزند- به طور کلی حس ترحم و عاطفه انسانی- را به عنوان این‌که یک میل انسانی است، ریشه‌کن نماییم؛ در صورتی که این [غیرت] یک میل نفسانی در درجات پایین حیوانی نیست؛ بلکه یک احساس عالی بشری است»^۴.

از آنچه گذشت، به دست می‌آید که غیرت به معنای نگاه مسئولانه و نگهبانی آگاهانه از حریم دین، خانواده، قانون و کشور است.

۱. همان، ص. ۴۷۶.

۲. عبد الواحد آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ترجمه: محمد علی انصاری، تصحیح: مهدی انصاری قمی، چاپ دوم، مردشت، نشر مؤسسه انتشاراتی امام عصر علیه السلام، ۱۳۸، ص. ۳۰۲.

۳. مرتضی مطهری، مسئله حجاب، تهران: صدرا، ۱۳۶۸، ص. ۴۶.

۴. همان، ص. ۲۶.

عوامل کاهش غیرت و رزی
مردان در جامعه و کمرنگ
شدن تقبیح اجتماعی بی غیرتی

فصل چهارم





الف) وارونه شدن ارزش‌ها

یکی از معضلات امروزه جامعه ما ترویج بی‌حجابی و بی‌بند و باری است، به‌گونه‌ای که گویی برای برخی ارزش، دربی‌حجابی و بی‌بند و باری است! بسیاری هم این مشکل و معضل را با عبارات‌هایی از جمله: دلت باید پاک باشد و یا «جامعه این‌گونه می‌پسندد» و این‌که «هر کس را در گور خود می‌گذارند» و «به کسی ربطی ندارد» و ... توجیه می‌کنند.

در توضیح پوشش و حجاب باید اذعان داشت، پوشش از «ستر» یعنی «پرده و مخفی کردن» می‌آید. بدون تردید آن‌چه در فقه اسلامی بیان شده است، گزاف و بی‌حساب نیست؛ بلکه تابع مصالح و مفاسدی است که به‌همین علت مالک اصلی انسان، یعنی خداوند مقتدر به اقتضای مصلحت انسان آن را قرار داده است. حجاب هم یکی از این موارد است که مورد توجه خداوند بوده و آیه‌ی صریح خداوند در امر رعایت آن است.^۱ پوشش و حجاب، امری فطرتی و درونی است؛ انسان‌های نخستین با برگ درختان خود را می‌پوشاندند. ایرانیان باستان، به‌خصوص زنان به پوشش توجه خاص و ویژه‌ای داشتند. به‌طور مثال، زنان اشکانی علاوه بر استفاده از شلوارهای چین‌دار و پیراهن دراپه‌دار بلند، در پوشش سر و استفاده از چادر نیز بسیار پیش‌رفته‌تر از زنان هخامنشی بودند و کلاه

۱. قرآن: نور/۳۰، نساء/۵۹، احزاب/۵۸.

عمامه‌وار آنان تقریباً بیش‌تر موهای آنان را می‌پوشانده است. استرابون در این خصوص می‌نویسد: «ایرانیان اگر بخشی از بدن‌شان برهنه بود، آن را بی‌شرمی می‌دانستند و همیشه تا ساق پا لباس می‌پوشیدند»؛ اما با آغاز سلطنت پهلوی و سفر رضاخان به ترکیه و دیدار با آتاتورک، با کشف حجاب ضربه‌های سهمگین و غیرقابل‌جبرانی به حجاب و عفت زن ایرانی وارد شد.^۱

با پیروزی انقلاب اسلامی، بار دیگر گرایش‌های عقاید مذهبی در مردم قوت گرفت و کم‌کم چهره دینی مذهبی جامعه پررنگ شد؛ اما به دلایل متعدد کم‌کم چهره مذهبی کشور کم‌رنگ می‌شود و رگه‌های بی‌ایمانی در جامعه دینی ما پدیدار می‌شود، که در این بین بی‌حجابی شاید یکی از نمودهای اصلی آن باشد.

در این زمینه، جامعه‌شناسان و روان‌شناسان و کارشناسان دینی بسیار قلم‌فرسایی کرده و به علل و عوامل بسیاری پرداخته و سعی در حل و رفع آن داشته و دارند؛ اما واقعاً چه کسی یا کسانی متولی این بخش هستند؟ یکی از عمده‌ترین دلایل آن، بی‌توجهی مسئولین و یا کم‌توجهی آنان به مقوله‌های فرهنگی در کشور است. در کشور ما هر وقت بودجه جایی کم می‌آید، اولین جایی که از آن چشم‌پوشی می‌شود و به ظاهر بی‌اهمیت است، مقوله‌های فرهنگی است. بودجه‌های آن را قطع کرده و به دیگر بخش‌ها اختصاص می‌دهند. دیگر این‌که تمام هم و غم مسئولین ما بعد از جنگ تحمیلی به بخش عمرانی و آبادانی کشور خلاصه شده و کارهای فرهنگی معمولاً با یک همایش و جشنواره خاتمه می‌یابد؛ بالعکس دشمن با تمام قوا و امکانات از جمله هجوم برنامه‌های ماهواره‌ای در جهت پاک‌سازی و کم‌رنگ کردن اعتقادات مردم ما، بالاخص جوانان همت گمارده است.

۱. احسان یارشاطر، پوشاک در ایران زمین، ترجمه: بیمن متین، تهران: امیرکبیر، تیر ۱۳۹۲، ص. ۴۲۱.



مقام معظم رهبری علیه السلام، در این زمینه بارها به مسئولین اخطار دادند که دشمن از طریق جنگ نرم و تولیدات ماهواره‌ای به خانه‌هایمان نفوذ کرده و آرام‌آرام دارد پایه‌های عقاید مذهبی مردمان، بالاخص جوانان را سست می‌کند.

با اقدامات تخریبی غرب در جهت کم‌رنگ و بی‌رنگ کردن اعتقادهای مذهبی مسلمانان، به‌ویژه ایرانیان که همه در جهت دست‌یابی به خواسته‌های استعمارگران بوده، و با رسوخ باورها و فرهنگ مستکبرین، مردم به امور دنیوی محض پرداخته و از امور معنوی و یادگیری و پرداختن بیش از پیش دور گشتند. حربه‌هایی با عنوان فمینیسم و... که به قول خودشان در جهت بازبانی جایگاه و شأن زنان هستند، رواج یافته و توانستند ارزش وجودی زن را تا حد کالای تبلیغاتی و جنسی پایین آورده و از آن سودجویی کنند. متأسفانه سهل‌انگاری برخی از متولیان این امر، روند بی‌حجابی در کشور ما را سرعت بخشیده است.

از دیگر علل افول ارزش حجاب، به سخت‌گیری‌های بیش از حد برخی از متحجرین می‌توان اشاره نمود. رفتار بد و ناشایست آنان در برخورد با بی‌حجابی و تذکرات همراه با بی‌ادبی در این امر بی‌اثر نبوده است.

در باب لزوم توجه به حدود حجاب، حضرت امام خمینی علیه السلام همیشه در فرمایشات خود از پوشش کامل و یا چادر صحبت می‌کردند. ایشان علاوه بر تشویق و تأکید بر حجاب برتر که همان چادر است، مانتوهای مناسب با روسری و یا مقعنه‌های پوشیده را هم جزو پوشش کامل می‌دانستند.^۱

«ملومی ایوبیت فرانکلین» دختر تازه مسلمان اروپایی پیرامون ارزش حجاب می‌گوید: «من با حجاب، متحمل یک سری سختی‌های ظاهری می‌شوم؛ اما از خیلی چیزها از جمله نگاه‌های معنی‌دار مردان و... در امان می‌مانم.» وی معتقد است: «حجاب، نشانه یک تفکر است و غربی‌ها با

این فرهنگ مبارزه می‌کنند.» او هم چنین خطاب به زنان مسلمان ایرانی می‌گوید: «وقتی غرب حول محور حجاب زنان این‌قدر فعالیت می‌کند؛ پس بدانید که این موضوع برای‌شان خیلی مهم است.»

در این بین از نقش رسانه‌ها به خصوص صدا و سیما در ترویج فرهنگ و فقه اسلامی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم نباید گذشت؛ این رسانه متأسفانه خود بعضاً جزویکی از بخش‌هایی است که به صورت ناخواسته در ترویج بی‌بند و باری و بی‌حجابی نقش دارد.

هنرمندان، به خصوص بازیگران در اذهان مردم و جوانان جایگاهی ویژه دارند و جامعه از تمامی حرکت‌های آنان الگوبرداری می‌کند. برخی از جامعه‌ی هنرمندان ما یا خود از ابتدا با سر و وضعی کاملاً نابه‌هنجار وارد عرصه بازیگری می‌شوند و یا به مرور زمان تحت تأثیر دیگر بازیگران، خود هم بی‌حجاب و بدحجاب می‌گردند. اگر هم در تلویزیون و سینما در فیلم‌های مذهبی ایفای نقش کنند، کافی است یک سری به اینترنت زده و با عکس‌های کاملاً بی‌حجاب و ظاهری کاملاً نابه‌هنجار روبه‌رو شوید. حجاب‌های ابداعی این قشر در خور تأمل و تفکر است. حجاب‌هایی ابداعی که خود، کاملاً نشان از بی‌حجاب‌تر شدن دارد. نکته دیگر در این حوزه این است که در اکثر فیلم‌ها، خانم‌های باحجاب به‌ویژه چادری را در نقش‌های قشر پایین، بی‌سواد، ساده، فقیر و مستضعف معرفی می‌کنند. این فیلم‌ها به‌گونه‌ای در ذهن مخاطب اثر می‌گذارد که حجاب را مترادف با فقر، فلاکت و بیچارگی در ذهن او حک می‌کند.

این در حالی است که در جامعه ما چه بسیارند خانم‌ها و دختران جوانی که با حفظ حجاب در جایگاه‌های رفیع خانوادگی و اجتماعی قرار گرفته‌اند. از این جمله می‌توان به برخی از نقرات برتر کنکور اشاره کرد. متأسفانه جای بسی تأمل است که چرا فیلم‌سازان و مستندسازان به این مقوله‌ها نمی‌پردازند. اگر هم برنامه‌ای تدوین شود، عموماً در اوج ضعف

ساخته می شود و در زمان های مرده پخش می گردد.
«فاطمه یعقوب»، بانوی تازه مسلمان اروپایی در توضیح جایگاه حجاب می گوید: «ماهی قدر دریا را نمی داند؛ مگر این که روزی که دریا خشک شود و یا از دریا بیرون بیفتند؛ آن زمان است که قدر آب دریا را می فهمد»^۱.

ب) فاصله زیاد بین بلوغ و ازدواج

نیاز جنسی، بخش جدایی ناپذیر ماهیت زیستی، روانی و اجتماعی آدمی را تشکیل می دهد و روشن است که کیفیت ارضای این نیاز نقش بسیار مهمی در سلامت و بهداشت روانی فرد و جامعه دارد. بر اساس آموزه های دینی، اگر این نیاز به صورت شرعی و معقول (ازدواج) و در زمان مناسب ارضا شود، باعث آرامش خاطر، رشد شخصیت و نیز استمرار حیات بشری شود، و اگر امکان ارضای صحیح آن فراهم نیاید، به صورت انحرافات جنسی و بی بند و باری های اخلاقی نمودار خواهد شد.

در سال های اخیر، آمارها منحنی های رو به رشد و مشابهی را در زمینه انحرافات و بی بند و باری های اخلاقی در میان جوانان نشان می دهند. این رشد غیرطبیعی و هماهنگ می تواند حاکی از عوامل ساختاری همانند باشد. به طور قطع نمی توان یک عامل را علت انحرافات اخلاقی و بی بند و باری جنسی جوانان دانست؛ در بیشتر موارد، ترکیبی از چند عامل وجود دارند. با این وجود، برخی مطالعات، عوامل خاصی را به عنوان عوامل مؤثر در میزان بروز بی بند و باری جنسی جوانان شناسایی کرده اند.

در این بین می توان فاصله زیاد بین بلوغ و ازدواج را سبب ایجاد برخی ناهنجاری ها و مشکلات اخلاقی در پسران برشمرد. این بی اخلاقی ها حساسیت افراد به بی حجایی نوامیس خود را کاهش می دهد. بر این اساس

۱. فائزه باقراسلامی، «ارزش ها وارونه می شوند»، ماهنامه پیام زن، شماره ۲۶۳، بهمن ۱۳۹۲، ص. ۳۵.

ابتدا باید تعریف شاخصی برای اندازه‌گیری سن ازدواج ارائه داد و در گام بعدی هنجاری را در این زمینه تعیین کرد؛ چرا که صرف نشان دادن افزایش یا کاهش سن ازدواج بدون تعیین هنجار، معنای خاصی در برنخواهد داشت.

- مقیاس‌های اندازه‌گیری سن ازدواج

در مطالعات کلان‌نگر (Macroscopic) مهمترین شاخصی که در دسترس پژوهشگران قرار دارد، تحقیقات تجربی و نظرسنجی‌های انجام شده در زمینه‌های مورد نظر است. پژوهش‌ها نشان می‌دهند در کشورهای در حال توسعه و از جمله ایران، متوسط سن برای ازدواج جوانان در دهه‌های اخیر افزایش یافته است.^۱

به عنوان مثال، پژوهشی در این خصوص حاکی از آن است که میانگین سن ازدواج در ایران برای پسران در سال‌های دهه پنجاه، ۲۵ سال بوده است، در حالی که بعد از آن (به جز در سال ۱۳۶۵) این روند افزایش داشته است. این تحقیق نشان داده است سن ازدواج دختران از سال ۱۳۵۴ تا ۱۳۸۰ به طور مداوم سیری صعودی داشته است.^۲

- هنجار دینی سن ازدواج

ازدواج و تأسیس کانون زندگی مشترک خانوادگی یکی از بهترین و مهمترین رسوم اجتماعی انسان‌هاست که از فطرت و آفرینش ویژه آنان مایه می‌گیرد. این نیاز که به صورت فطری در انسان به ودیعه نهاده شده، تا زمان ظهور جوانه‌های بلوغ، همچنان دوران آرام و بی‌تحركی را پشت سر می‌گذارد. اما به مجرد شروع دوران نوجوانی، زمان بیداری آن فرا می‌رسد و آرام‌آرام تمامی وجود نوجوانان را در بر می‌گیرد و به یکی از پر قدرت‌ترین نیازهای وی تبدیل

۱. زهره زاهدی، «افزایش میانگین سن ازدواج»، نشریه زنان، ش ۱۳۸۹، ۴۸، ص ۵۳.
 ۲. زهرا محمدی، بررسی آسیب‌های اجتماعی زنان در دهه ۱۳۷۰-۱۳۸۰، تهران: شورای فرهنگی، اجتماعی زنان، ۱۳۸۲، ص ۸۱.

می‌شود. اگر این نیاز به موقع و به طور صحیح پاسخ داده شود، زمینه سلامت و بهداشت روانی انسان فراهم می‌گردد. از این رو در آیات و روایات به اهمیت ازدواج و نیز زمان مناسب آن تصریح و تأکید شده است.^۱

در قرآن کریم گرچه سن خاص و معینی برای ازدواج بیان نشده، ولی از واژگانی همچون «بلوغ»، «بلوغ حلم»، «بلوغ نکاح» و «بلوغ اشد» می‌توان به نحوی، سن بلوغ و ازدواج را به دست آورد. شاید رساترین آیه در تعیین سن ازدواج، این آیه شریفه باشد: «وَابْتَلُوا الْيَتَامَىٰ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ»؛ یتیمان را آزمایش کنید تا هنگامی که بالغ شده و به نکاح (همسرگزینی) تمایل پیدا کنند. اگر آنان را به درک مصالح زندگانی خود آگاه یافتید، اموالشان را به آنان بدهید».^۲

«بلوغ نکاح» در زمانی است که قدرت بر ازدواج پیدا کنند. شیخ طوسی رحمته الله علیه در تفسیر این آیه می‌نویسد: «معنای بلوغ نکاح، آن است که به مرحله توانایی بر هم خوابگی و تولید نسل برسند».^۳

در تفسیر مراغی نیز آمده است: «بلوغ نکاح رسیدن به سنی است که استعداد و آمادگی ازدواج حاصل شود. نوجوان در این حالت میل پیدا می‌کند همسر و سرپرست خانواده باشد».^۴

از موارد یاد شده استفاده می‌شود که معیار سن ازدواج از نظر قرآن، احساس نیاز به ازدواج، توانایی هم خوابگی، قدرت تولید نسل و رسیدن به حدّ رشد، یعنی توانایی بر تشخیص مصلحت خویش است.^۵

حجت الاسلام والمسلمین نصیر عابدینی، دکترای روان‌شناسی، در این

۱. ابراهیم امینی، انتخاب همسر، تهران: انجمن اولیاء و مربیان، ۱۳۷۴، ص. ۱۸.

۲. قرآن: نساء/۶.

۳. محمد صادق شجاعی، «تحلیل روان‌شناختی افزایش سن ازدواج و نقش آن در انحرافات اخلاقی جوانان»، مجله معرفت، شماره ۹۷، دی ۱۳۸۴، ص. ۱۱۶.

۴. همان، ص. ۱۱۹.

۵. غلامحسین سفیدگران، مسائل و مشکلات زنان: اولویت‌ها و رویکردها، تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۸۰، صص. ۶۳۲-۶۳۳.

رابطه می‌گوید: «برخی از مردان به دنبال ارضای جنسی خود صرفاً از طریق همسر نیستند و همین امر پایه‌های زندگی خانوادگی را سست می‌کند». وی در ادامه می‌افزاید: «فردی که همسر خود را با دیگران در لذت‌های بصری و گفتاری شریک می‌شود، خود را شریک ناموس سایرین نیز می‌پندارد و این تفکر به نابودی خانواده‌ها می‌انجامد».^۱

ج) احساس حقارت، خودکم‌بینی و ضعف نفس در مردان

از جمله علل اصلی بی‌غیرتی در مردان، خودکم‌بینی و ضعف نفس است. در این حالت نفس یارای دفاع و حمایت از آنچه که شرع و عرف پشتیبانی و نگهداری از آن را بر آنان واجب و ضروری شمرده است، ندارد و در این حالت است که غضب مرد که به عنوان پاسبان انسان به او ارزانی شده است، از حالت عادی خود خارج شده و راه تفریط را می‌پیماید.^۲

باید توجه داشت «عقده حقارت» دارای ماهیت فطری نبوده و اختصاص به طبقه یا قشر معینی ندارد، بلکه عارضه‌ای است که علل پیدایش آن را باید در تربیت و پرورش اولیه فرد و روابط و مناسبات متقابل او با محیط در دوران کودکی تا بلوغ، جست‌وجو کرد. مثل تبعیض، نازپروردگی، نقص عضو، عدم ارزش‌گذاری‌های خانواده برای شخص، عدم مسئولیت دادن و... را می‌توان نام برد.

حجت‌الاسلام والمسلمین احمد رضا در دشتی، محقق دینی و روانشناس، در این رابطه می‌گوید: «احساس حقارت در مردان موجب می‌گردد تا آنها برای بروز و ظهور خود در میان دیگر افراد، با به رخ کشیدن زیبایی‌های ظاهری همسر خود، در جامعه جلب توجه کنند».

وی با بیان این که امروز بی‌حجابی در میان بخشی از قشر تحصیل‌کرده و

۱. نصیر عابدینی، «کم‌رنگ شدن تقبیح اجتماعی بی‌غیرتی / تغییر مفهوم غیرتی به اُمَل»، خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، ۱۴ شهریور ۱۳۹۳.

۲. مهدی نراقی، همان، ص. ۳۰۰.

ثروتمند در حال تبدیل شدن به یک هنجار است، افزود: «برخی از خانواده‌های متوسط و کم‌درآمد نیز سعی می‌کنند با بی‌حجاب شدن، خود را به این قشر نزدیک و شبیه کنند. این در حالی است خداوند در قرآن افراد را به رقابت در خوبی‌ها دعوت کرده است، در صورتی که امروزه برخی بانوان در بی‌حجابی و برخی مردان نیز در بی‌غیرتی از یکدیگر سبقت می‌گیرند».

به عقیده وی در برخی موارد زنان پایبند به حجاب هستند، اما مردان به سبب تقلید از دوستان و چشم و هم‌چشمی با آنان، از زنان خود می‌خواهند که بدون حجاب در منظر عمومی ظاهر شوند؛ در واقع فردی که نتوانسته است در میان جمع برای خود جایگاه ارزشمندی را کسب کند و از کمبود اعتماد به نفس رنج می‌برد، سعی می‌کند با بی‌حجاب جلوه دادن همسر خود در میان کسانی که این عمل را نوعی فرهیختگی و امروزی بودن می‌دانند، کسب اعتماد به نفس کند.^۱

د) لجاجت با برخی از گروه‌های اجتماعی

لجاجت با برخی از گروه‌های اجتماعی که مقید به مقوله حجاب هستند، از دیگر عوامل بی‌تفاوتی مردان نسبت به نوامیس‌شان است. این افراد سعی می‌کنند با عملی برعکس منش گروه اجتماعی مورد انتقاد خود، مخالفت خود را با عملکرد آنان نشان دهند.

در اینجا لازم به ذکر است تبدیل شدن حجاب به نماد زن مسلمان انقلابی، به ویژه در بعضی از کشورهای لائیک و همچنین وجود انگیزه‌های سیاسی احتمالی در بدپوششی تعدادی از زنان، حجاب را به ساخت حکومت متصل ساخته است.^۲

گروه‌های مخالف جمهوری اسلامی می‌کوشند حجاب اسلامی و دخالت

۱. احمد رضا دردشتی، «اجازه بی‌حجابی؛ حق السکوت مرد به زن»، خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، ۸ شهریور ۱۳۹۳.

۲. سید جعفر حق شناس، نظام اسلامی و مسئله حجاب، قم: دفتر مطالعات زنان حوزه علمیه خواران، ۱۳۸۷، ص. ۲۳.

حکومت اسلامی در این زمینه را به عنوان ابزار تبلیغاتی برای معرفی اسلام به عنوان ناقض حقوق زنان معرفی کنند. این گروه‌ها تلاش می‌کنند مبارزه‌ای به نام «زنان علیه جمهوری اسلامی» به راه اندازند و آن را در قالب مبارزه حقوق بشری نهادینه کنند. کمیته دفاع از حقوق زنان در نشریه خود مدعی می‌شود که هسته اولیه این مبارزه از ابتدای حکومت اسلامی تا به امروز علیه سرکوب محوری رژیم، اجباری کردن حجاب و پوشش زنان به مثابه رکن اصلی اقتدار ایدئولوژی، خود به شکل مبارزه علیه قانون حجاب اجباری پدیدار شده است.^۱ بدین ترتیب این جریان، حجاب را به عنوان ابزار ایدئولوژیک سرکوبگرانه جمهوری اسلامی معرفی می‌کنند و لذا طیفی از زنان که مخالف حکومت اسلامی هستند، بی‌حجابی و دوری از حجاب را به عنوان ابزار مخالفت سیاسی خود به کار می‌گیرند.

بنابراین می‌توان گفت، بخشی از بی‌حجابی ناشی از نگاه به حجاب به عنوان نماد نظام اسلامی و بی‌حجابی به عنوان نماد مخالفت با نظام سیاسی است. این بخش از بی‌حجابی متأثر از ساختار سیاسی و بیشتر از بعد سیاسی قابل بحث است، نه از جنبه فقهی و اعتقادی حجاب اسلامی و البته نقش کشورهای دیگر و هدایت این جریان از جانب معاندین و مخالفین و کشورهای بیگانه، به افزایش تعداد این طیف منجر می‌شود.^۲ لذا وجود برخی ساختارها و گرایش‌های فرهنگی در میان آحاد مردم، نقش آفرینی جریان‌های سیاسی داخلی و خارجی در این زمینه، تهاجم فرهنگی و اعتقادی دشمن با هدف ضربه زدن به نظام اسلامی، وجود ضعف در برنامه‌ریزی و اقدام نهادهای فرهنگی و همچنین ضعف اعتقادی و سستی در باورهای دینی نسل جدید بانوان که خود متأثر از کم‌کاری خانواده‌ها در تربیت دینی فرزندان و تغییر سبک زندگی و قرار گرفتن رسانه‌ها در محوریت

۱. ابراهیم شفیعی سروستانی، جریان شناسی دفاع از حقوق زنان در ایران، چاپ سوم، قم: مؤسسه فرهنگی طه، ۱۳۸۶، ص. ۵۲.

۲. حق شناس، همان، ص. ۴۸.

تعامل خانواده‌ها با فرزندان می‌باشد، از جمله عوامل موثر در روی‌گردانی از حجاب در شرایط کنونی است.

۵) بی‌توجهی به تأثیر غذای طیب، طاهر و حلال بر غیرت و رزی مردان

آدمی مانند دیگر موجودات زنده عالم به غذا نیاز دارد تا با آن به حیات خود ادامه دهد. همه شهوت‌ها و خواسته‌های آدمی پس از صرف غذا و به دست آوردن نیرو بیدار می‌شود و او را به حرکت و کار و کوشش وامی‌دارد. در تربیت اسلامی، غذا افزون برداشتن منافع جسمانی، بر جنبه‌های تربیتی و روانی فرد تأثیر می‌گذارد. از این رو، خدای متعال در قرآن، انسان را به دقت و دوراندیشی در چگونگی خوراکش فرمان داده است: «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ؛ آدمی باید غذای خود را با دیده دقت و چشم بصیرت بنگرد»^۱.

از جمله مواردی که در معارف اسلامی، درباره چگونگی تغذیه به آن اهمیت داده شده، حلال بودن غذا و دوری از شبهه‌ناکی آن است. از نظر اسلام، انسان با همه عظمت و آفاق روشنی که پیش رو دارد، با خوردن لقمه‌ای ناپاک به چاه ضلالت می‌افتد و آینه روشن دل او با اندک خوردنی حرام تیره می‌شود.

شاعر در این باره، می‌سراید:

روغنی کاید چراغ ما کُشد آب خوانش، چون چراغی را کُشد
علم و حکمت زاید از لقمه حلال عشق و رقت زاید از لقمه حلال

امام سجاد علیه السلام درباره حق شکم می‌فرماید: «وَأَمَّا حَقُّ بَطْنِكَ فَأَنْ لَا تَجْعَلَهُ وَعَاءَ الْقَلِيلِ مِنَ الْحَرَامِ وَلَا لِكَثِيرٍ وَأَنْ تَقْتَصِدَ لَهُ فِي الْحَلَالِ وَلَا تُخْرِجَهُ مِنْ حَدِّ التَّقْوِيَةِ إِلَى حَدِّ التَّهْوِينِ وَذِهَابِ الْمُرْوَةِ؛ و اما حق شکم، آن است که آن را جای مال حرام و ناشایست، چه کم و چه زیاد قرار ندهی و در خوردنی‌های حلال نیز میانه‌روی را رعایت کنی و از اندازه‌ای که برای تقویت



جسمی لازم است، به حد اسارت و پستی و خواری و سستی نکشانی و کاری نکنی که باعث از دست دادن متانت و مردانگی توشود»^۱.

حجت الاسلام والمسلمین دردشتی، در این رابطه معتقد است تغذیه در افراد اثرات مستقیمی دارد. تغذیه از ابعاد مختلفی بر تربیت تأثیر می‌گذارد؛ تغذیه بر سلامت و رشد جسم، بر ابزارهای شناختی، بر رفتارهای فردی و تربیت اجتماعی در دوره‌های مختلف زندگی و در تربیت اخلاقی و معنوی تأثیرگذار است. غذایی که می‌تواند برای انسان مفید باشد و فضیلت‌ها را در درون افراد تقویت کند باید طیب، طاهر و حلال باشد. مسلماً تربیت با بیماری سازگار نیست، فرایند تربیتی نیازمند انسان سالم چه از نظر جسمی و چه از نظر روانی است و سلامت و رشد جسمی با رشد حواس پنجگانه همراه است که در سلسله مراتب ادراکی پایین‌ترین مرحله را تشکیل می‌دهد و این‌که حواس انسان درست رشد کند یا دچار معلولیت شود، در آینده تربیتی شخص اثرانکارناپذیری خواهد داشت.

وی با بیان این‌که غذای طیب سازگار با مختصات روانی و جسمی انسان است، افزود: «برخی مواد به ذات خود دارای تأثیرات منفی بر بدن انسان هستند که به همین دلیل نیز حرام نامیده شدند. اما برخی از خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها توسط انسان دستکاری شده و به غذاهای غیرطیب تبدیل می‌شوند. این غذاها علاوه بر جسم بر خلقیات افراد تأثیر مستقیمی دارد». وی با اشاره به آیه مبارکه «يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا؛ ای پیامبران! از چیزهای پاکیزه و خوش بخورید و کارهای شایسته کنید»^۲، عنوان کرد: «خوردن طیبات، زمینه‌های روحی و روانی برای اعمال صالح در انسان ایجاد می‌کند»^۳.

۱. علی گل زاده غفوری، راه و رسم زندگی از نظر امام سجاد علیه السلام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۵، صص. ۶۰ - ۶۱.

۲. قرآن: مؤمنون / ۵۱.

۳. احمد رضا دردشتی، همان.

و نقش رسانه‌ها در عدم الگوسازی شایسته برای جوانان

حجاب تنها یک دستورالعمل دینی و وظیفه شرعی برای زن مسلمان نیست، بلکه از ضرورت‌های اجتماعی جوامع انسانی است که با وجود آن منافع و تأثیرات شگرفی در جامعه پدیدار شده، نبود و عدم رعایت آن زیان‌ها و آثار مخربی در فرهنگ عمومی اجتماع، اقتصاد و سیاست برجای گذاشته است.

در جهان امروز یا به عبارت بهتر، در عصر امپراطوری رسانه‌ها، وسایل ارتباط جمعی با انتقال اطلاعات و شکل دادن به آنها نقش مهمی در توسعه و تغییر فرهنگ و تمدن بشری ایفا می‌کنند. در میان این رسانه‌ها، تلویزیون به دلیل دسترسی آسان و تنوع برنامه‌ها، تأثیرگذاری بیشتری دارد و به عنوان یک ابزار مهم در تولید و انتقال یا حفظ فرهنگ‌های مختلف، فعالیت‌های گسترده‌ای دارد.

امروزه ابرقدرت‌ها برای غارت فرهنگ و منابع کشورها که به سرسپردگی مطلق و همه‌جانبه آن کشورها می‌انجامد، شبکه‌های بزرگ تلویزیونی را در دست گرفته است و با استفاده از توان تکنولوژیکی فوق مدرن در صنعت ارتباطات تلویزیونی، تغییرات مهمی در حوادث فرهنگی و سیاسی و اقتصادی دنیا به طور مستقیم و یا غیرمستقیم ایجاد می‌کنند؛ زیرا قدرت درک و تحلیل کسانی که با کتاب، روزنامه و رسانه‌های نوشتاری سروکار دارند، نسبت به مسائل جاری جهان بیشتر از آنهایی است که فقط با رسانه‌های بصری و سمعی دم‌خورند. از این رو، رسانه‌های تصویری مانند تلویزیون، به دلیل ارتباط با همه اقشار جامعه، می‌توانند بهتر و مؤثرتر عمل کنند. آنها با تهیه و پخش برنامه‌های متنوع و جذاب و بهره‌گیری از غرایز، احساسات و حتی فطریات انسانی، با القای فرهنگ مورد نظر خودشان، عرصه را بر فرهنگ‌های سنتی و رقیب تنگ می‌کنند و با در اختیار گرفتن

افکار مخاطبان و تغییرنگرش در آنان، رفتارشان را نیز کنترل می‌نمایند.^۱ متأسفانه این رسانه به دلیل برخی ضعف‌ها و آسیب‌های اساسی در برنامه‌سازی، تا حدودی نیز باعث کم‌رنگ شدن فرهنگ حجاب و عفاف در جامعه امروز شده است. در این زمینه تلویزیون علاوه بر عدم ارائه الگوهای مناسب، برای جذب مخاطب، افراد یا افکار نامناسبی را به عنوان الگو مطرح نموده است، به عنوان مثال هنرپیشه‌ها و یا قهرمانان ورزشی که در مورد حجاب و عفاف عملکرد ضعیفی داشته‌اند، به عنوان یک گروه مرجع در رسانه‌ها مورد توجه قرار گرفتند. در حالی که کسانی باید در جامعه الگو شوند که به حجاب، ارزش‌ها و اصول اسلام و انقلاب ایمان داشته باشند.

نکته منفی دیگر رسانه در مورد حجاب و عفاف، نادیده انگاشتن حریم و مرزهای روابط دختر و پسر در روابط اجتماعی است. گاهی در جواب اعتراض به نادیده انگاشتن این مرزها، گفته می‌شود که این امر، جزئی از واقعیت‌های اجتماعی امروز ایران است. اما این یک پاسخ سطحی و غیرکارشناسانه است. این خود رسانه است که این روابط را عادی و جزو واقعیت‌های جامعه قرار داده است. برنامه‌های تلویزیون با پایتخت‌محور بودن خود، این پدیده را به دورترین نقاط کشور و روستاهایی که حفظ حریم در روابط زن و مرد از اهمیت خاصی برخوردار است، می‌کشاند. در این هنگام روند تغییرهنجارها به سوی ناهنجاری‌ها در تمام کشور سرعت می‌گیرد. همان‌طور که پدیده ارتباط دختر و پسر قبل از ازدواج و دوستی‌های خیابانی به سرعت در حال گسترش است.

این مسأله با پدیده دیگری به نام بی‌ارزش جلوه دادن غیرت مردانه همراه شده تا اختلاط زن و مرد در جامعه هیچ مانع و محدودیتی از طرف خانواده‌ها و مردان غیور جامعه نداشته باشد. غیرت، ویژگی مردان مسلمان

۱. اعظم نوری، «حجاب در رسانه ملی، چالش‌ها و بایسته‌ها»، نشریه نامه جامعه، شماره ۶۵، بهمن ۱۳۸۸، ص. ۹۱.

و یکی از عوامل ماندگاری حجاب در جامعه است. امروز در سریال‌ها دیده می‌شود که پدران و مادران از رابطه فرزند خود پیش از ازدواج، با فردی بیگانه مطلع هستند؛ اما واکنش خاصی به آن نشان نمی‌دهند و این معاشرت غیرشرعی و بدون محدوده را جزئی از مقدمات ازدواج تلقی می‌کنند و این طور القا می‌شود که این روابط به طور حتم به ازدواج منجر خواهد شد، در حالی که واقعیت‌های اجتماعی، چیز دیگری را نشان می‌دهد.

گاهی هم غیرت مردان، به عنوان یک پدیده منفی و نشان عقب‌ماندگی افراد است، گاهی هم غیرت، در قالب مسخره کردن افراد غیرتمند و یا انتساب این ویژگی به شخصیت‌های منفی فیلم‌ها تصویر می‌شود. وجود اشاعه‌ی این دیدگاه‌ها در جامعه، عامل مهمی در گسترش بی‌حجابی است. با کمی دقت در سریال‌ها، می‌توانیم ببینیم که داشتن حجاب یا استفاده از چادر، تنها مخصوص گروه و طبقه خاصی است و یا این که چادر تنها یک وسیله تشریفاتی است که گروهی تنها از سرعادت آن را به سر می‌کنند و اعتقادی به آن ندارند؛ مثل این که بازیگران چادر را فقط از سر آویزان می‌کنند و آن را مانند شنل در پشت سررها می‌کنند و گاهی هم که از سرشان می‌افتد، نسبت به آن بی‌اعتنا هستند.

متأسفانه گاهی هم دیده می‌شود که حجاب مخصوص زندان بانان و مأموران اجرای حدود و یا لباس رسمی افراد زندانی است که این تصویر، تأثیر نامطلوبی بر حجاب در جامعه خواهد گذاشت. یا این که حجاب و چادر نوعی نماد برای طبقه فقیر و بی‌سواد جامعه قلمداد می‌شود که در مقابل آن زنان ثروتمند و باسواد به مراتب از پوشش کمتری استفاده می‌کنند، به طوری که کسی با دیدن یک زن محجبه، هرگز تصور نمی‌کند که او ممکن است یک زن ثروتمند و یا دانشمند باشد.

همچنین دیده می‌شود که در سریال‌ها تنها افراد مسن و مادر بزرگ‌ها از حجاب کاملی برخوردار هستند، این تصور باعث می‌شود که زنان جامعه،

حجاب را نشان افزایش سن و مانعی برای جوان ماندن خود تلقی نمایند. دیگران نیز دختران و زنان جوانی را که به حجاب خود پایبند هستند، به تمسخر مادر بزرگ خطاب کنند. یا این که استفاده از چادر و حجاب کامل تنها در مراسم ختم جلوه می‌کند و یادآور غم و اندوه و افسردگی زنان محجبه است که در مقابل آن در مراسم شادی و به طور کلی زنانی که از روحیه‌ای شاد برخوردار هستند، به طور معمول دارای پوشش و حجاب کمتری هستند.

تبلیغات بازرگانی نیز به نوبه خود در رواج بی‌حجابی و رشد حس خودنمایی و تبرج در زنان دخیل هستند. از دیر زمان تاریخ، در جوامع بی‌بند و بار غربی از زنان برای رسیدن به تمام مقاصد سوء خود استفاده می‌کردند. حتی برای تبلیغ پست‌ترین کالای مصرفی خود، مانند شوینده دستشویی‌ها. این شگرد به رسانه‌های جوامع اسلامی هم سرایت کرده، به طور معمول زنانی که در تبلیغات بازرگانی سیما از آنها استفاده می‌شود، زنانی زیبا و جذاب هستند و بینندگان را به مصرف کالایی خاص دعوت می‌کنند و هنری جز شستن و آشپزی ندارند. یا از دختر بچه‌های زیبا و با صورت‌های نقاشی‌شده استفاده می‌شود، غافل از این‌که این کودکان و یا کودکان مخاطب آنها روزی به بزرگسالان جامعه تبدیل خواهند شد و منش و روش کودکی‌شان در زندگی آنها ماندگار خواهد شد.

این تصاویر نقش مهمی در ارائه و رشد بدحجابی در جامعه دارد. به یقین در برابر این برنامه‌ها، اگر تلاشی هم در جهت نهادینه کردن حجاب در برنامه‌های دیگری مثل سخنرانی و میزگرد، که از جذابیت کمتری در مقابل سریال‌ها و مجموعه‌های تلویزیون برخوردارند صورت بگیرد، امری بیهوده و بی‌اثر خواهد بود.^۱

در این میان نباید از نقش سینما و هنر هفتم غافل شد. در برخی از این فیلم‌ها تعدادی از بازیگران زن آسیب جدی را متوجه عفاف و حجاب



می‌نمایند. اکثریت قریب به اتفاق این قشر، با آرایش‌ها و مدل‌های خاص لباس خود، به عنوان الگوی نسل جدید مورد تقلید قرار می‌گیرند. در حالی که خود آنها این سبک پوشش و آرایش را از طریق برنامه‌های ماهواره‌ای و ... الگوبرداری می‌نمایند و به این ترتیب به سفیران فرهنگی غرب در کشور تبدیل شده‌اند. لذا می‌توان گفت، تهاجم فرهنگی دشمن و به تعبیر حکیمانه رهبر معظم انقلاب اسلامی، ناتوی فرهنگی از بزرگترین تهدیدات کشور در مباحث فرهنگی و بخصوص در موضوع حجاب است. بنابراین شایسته است که در اینجا به نقش برنامه‌های ماهواره‌ای نیز اشاره شود.

بی‌شک هجوم برنامه‌های ماهواره‌ای بی‌محتوا و ضد ارزش کشورهای بیگانه، عامل دیگر غیرت‌سوزی در خانواده‌ها است. این مسئله، درباره محصولات فرهنگی کشورهای غربی، به ویژه امریکا محسوس‌تر است و صاحبان رسانه‌های آنان، آگاهانه می‌کوشند فرهنگ ابتذال، برهنگی و بی‌حیایی را جایگزین فرهنگ ناب اسلامی سازند. ارتباطات بی‌پرده در فیلم‌ها و سریال‌های خارجی سبب می‌شود با کم شدن عفت چشم و اخلاق مردان خانواده، آتش غیرت آنان نیز سرکوب و روابط مردان و زنان در نظر آنان عادی جلوه کند.

از سوی دیگر فیلم و سریال‌های رسانه‌های خارجی، فقط عشق را نمایش می‌دهند، و با این موضوع جذاب مخاطب زیادی را به خود جذب می‌کنند و با مشروعبیتی که به هر نوع عشقی می‌دهند، خیانت همسران به همدیگر و روابط مضر برای بنیان خانواده را ترویج می‌کنند.

مدیر آژانس اطلاعاتی امریکا در این زمینه می‌گوید: «ما می‌کوشیم تا طرز تفکر انسان را به کمک وسایل ارتباط جمعی، تحت نفوذ قرار دهیم. به وسیله تماس‌های فردی، فرستنده‌های رادیویی، کتابخانه‌ها، انتشارات و پخش کتاب، مطبوعات، فیلم‌های سینمایی، تلویزیون، نمایشگاه‌ها،

تدریس زبان انگلیسی و دیگر راه‌ها».^۱
 لازم به ذکر است مطبوعات زرد و کتاب‌های مبتذل نیز از دیگر حربه‌های
 ضد ارزش علیه حجاب زنان و غیرت مردان به شمار می‌آیند.

ز) تضعیف نقش خانواده و تبدیل خانه به خوابگاه

فرهنگ ملی و آموزه‌های مذهبی، «خانه» را «مسکن» یعنی سرای سکونت، آرامش جسم و آسایش روان می‌داند که در آن روابط عاطفی شکل می‌گیرد، خانواده بنیان می‌شود، نسل جدید رشد و رویش می‌یابد، مجموعه‌ای از بهترین و ناب‌ترین مناسبات انسانی و اخلاقی برقرار می‌شود و یکایک افراد ریشه‌های شخصیتی خویش را در کانون آن می‌بینند و می‌یابند.

متأسفانه طی دهه‌های اخیر و با تغییر ناگهانی سبک زندگی خانواده‌ها، خانه‌ها صرفاً تبدیل به خوابگاه شده‌اند و کمتر خاصیت خانواده در آن وجود دارد و والدین و فرزندان بیشتر وقت خود را در خارج از خانه و یا در داخل خانه با رسانه‌های ملی و یا ماهواره‌ها سپری می‌کنند.^۲

در این بین هر کدام از اعضای خانواده، ممکن است عضو گروه دوستان و همسالان باشند. این گروه‌ها الگوهای مورد قبول فرد در گفتار و رفتارند و معمولاً فرد برای پذیرش از سوی دوستان و ارتباط و معاشرت با آنها، ناگزیر هنجارها و ارزش‌های مورد نظر آنها را می‌پذیرد. از این رو، رهبران دینی، همواره پیروان خود را از همنشینی با افراد منحرف و بزهدکار و دوستان ناپاب باز می‌دارند. حضرت علی ع در نهج البلاغه می‌فرماید: «مُجَالَسَةُ أَهْلِ الْكُهْوَى مَنَسَأَةٌ لِلْإِيْمَانِ وَ مَحْضَرَةٌ لِلشَّيْطَانِ: همنشینی با هوسرانان باعث از یاد رفتن ایمان و حاضر شدن شیطان است».^۳

۱. سیدحسین اسحاقی، «بایسته‌ها و آسیب‌های فرهنگ حجاب و حیا»، ماهنامه طوبی، شماره ۱۹، تیر ۱۳۸۶، ص ۱۰.

۲. حمد لقمانی، «خانواده، جوان و دشواری‌های پیدا و پنهان»، نشریه پیام زن، شماره ۱۶۰، تیر ۱۳۸۴، ص ۲۳.

۳. نهج البلاغه، خطبه ۸۶.

در خانواده نیز گاهی همسران به دلیل همنشینی و اثرپذیری از افرادی که سستی یا فساد اخلاقی دارند، دچار آسیب‌های اخلاقی و یا اعتقادی می‌شوند و میزان پابندی‌شان به خانواده و انجام مسئولیت‌ها کاهش می‌یابد.^۱

به یقین تغییر شرایط اجتماعی و اقتصادی، مانند پذیرش ارضای نیازهای جنسی در خارج از چهارچوب خانواده، کم‌رنگ شدن وظیفه مرد در حمایت از همسر، ضعف کنترل و نظارت خانواده بر فرزندان و نادیده گرفتن تفاوت‌های جنسیتی در پذیرش نقش‌ها، اگر درست و به آرامی صورت نگیرد، سبب تغییر کارکردهای خانواده خواهد شد، که همه این عوامل، خود باعث زیاده‌تر شدن تنش‌های فردی و اجتماعی می‌شوند.

ح) نقش موسیقی در رواج بی‌غیرتی و انحطاط جوانان

بحث موسیقی از جمله مباحثی است که با وجود این که دارای قدمت زیادی است، ولی در عین حال، جزو مباحث روز بوده و از جمله مسائلی است که مخصوصاً جوانان زیادی را به خود مشغول داشته و بالتبع سؤالات زیادی پیرامون آن مطرح شده و می‌شود. برای موسیقی تعریف‌های زیادی ارائه شده و از زوایای مختلفی به آن نگریسته شده است. موسیقی را می‌توان هم از لحاظ لغوی و هم از لحاظ اصطلاحی مورد بررسی قرار داد. این واژه، یک واژه یونانی است که به آن «موسیقیا» گفته می‌شود و از آن به عنوان غنا و لحن نیز یاد شده است؛ موسیقی در لغت یونان، لحن است و لحن عبارت است از اجتماع در نغم مختلفه که آن را ترتیبی محدود باشد و بعضی این قید را زیاده کنند که کلام مفید بدان مقرون باشد... و بعضی این قید را زیاده کنند که آن کلام، دال بر معانی که محرک نفس باشد به تحریکی که ملایم غرض، و لفظ او موزون باشد.^۲

۱. اعظم نوری، «عوامل تضعیف استحکام خانواده»، پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده،

سال سوم، شماره ۶، ص. ۱۰۲.

۲. مصطفی شریعت موسوی، نظری به موسیقی از طریق کتاب و سنت، جلد ۳، قم؛

اسماعیلیان، ۱۳۷۲، ص. ۸۳.

هم‌چنین در تعریف موسیقی گفته شده: « عبارت است از اصوات و آهنگ‌هایی که انسان را در عالمی که برای وی قابل توصیف نیست، سیر می‌دهد و چنان بر اعصاب آدمی مسلط می‌شود که گاهی می‌خنداند، گاهی می‌گریاند گاهی اعضا و جوارح انسان را بدون اختیار به حرکت در می‌آورد، و زمانی تهییج عشق و شهوت می‌کند و آدمی را برده و غلام خود ساخته و بر اعصاب، فکر، عقل و روانش فرمانروایی می‌کند»^۱.

موسیقی را از جنبه‌های مختلفی از جمله، فقهی، هنری و ... می‌توان بررسی کرد، ولی آن چه بیشتر در اینجا مد نظر است، نگاه به موسیقی از منظر دین است. موسیقی هنری از لحاظ فقهی به موسیقی حلال و موسیقی حرام تقسیم می‌شود. اگر موسیقی غنا باشد و جزو موسیقی حرام شناخته شده باشد، قطعاً در انسان تأثیرات منفی بسیاری خواهد گذاشت.

بنابراینچه در معارف اسلامی آمده است: «اولین کسی که مرتکب غنا شد، شیطان بود»^۲.

از آن به بعد غنا رواج پیدا کرد. همچنین در روایتی از امام جعفر صادق علیه السلام آمده است: «وقتی آدم رحلت نمود، ابلیس و قابیل با رحلت او خوشحال شدند، آن دو در اجتماع شرکت کردند و به نشانه شادی برای مرگ آدم از تنبورها و وسائل لهو استفاده کردند»^۳.

بزرگان دین و علما و مراجع در رابطه با غنا تعاریف مختلفی را ارائه نموده‌اند: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این رابطه می‌فرمایند: «الْغِنَاءُ رَقِیةُ الرِّثَا؛ غنا، نردبان زنا است»^۴.

امام صادق علیه السلام نیز می‌فرمایند: «إِنَّ شَيْطَانًا يُقَالُ لَهُ الْقَفَنْدَرُ إِذَا ضَرَبَ فِي مَنَزَلِ الرَّجُلِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا بِالْبَرَبِيطِ وَ دَخَلَ الرَّجُلُ وَضَعَ ذَلِكَ الشَّيْطَانُ كُلَّ

۱. احمد اولیایی، چه باید کرد؟: نگاهی به موسیقی، قم: ابتکار دانش، ۱۳۸۵، ص. ۹۰.

۲. محمد حسن حرزاملی، همان، جلد ۱۲، ص. ۲۳۱، ح. ۲۸.

۳. ثقة الإسلام محمد بن یعقوب کلینی، همان، جلد ۶، باب الغناء، ص. ۱۶۵۴، ح. ۳۰.

۴. محمد باقر مجلسی، همان، جلد ۷۶، باب. ۹۹.

عضو منه علی مثله من صاحب البیت ثم نفع فيه نفخة فلا یغار بعدها حتی توتی نساؤه فلا یغار؛ کسی که چهل روز در خانه اش بریط نوازند و مردمان براو وارد شوند، شیطانی به نام قفندر اعضای خود را به تمام اعضای بدنش مس می نماید، پس غیرت از آن مرد برداشته می شود تا به حدی که با اگر زناش فعل قبیحی کنند، بدش نمی آید.^۱

مقام معظم رهبری علیه السلام طی بیاناتی در این رابطه اظهار داشتند: «موسیقی اگر انسان را به بیکاری، ابتذال، بی حالی و واخوردگی از واقعیت های زندگی و امثال این بکشاند، این موسیقی حلال نیست».^۲

با توجه به این سخنان می توان گفت، یکی از مهمترین اثرات زیانبار موسیقی حرام از بین رفتن حیا و غیرت است؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله در این باره فرموده اند: «حیا و ایمان با همدیگر وابسته اند، چون یکی از میان برود، دیگری هم از میان می رود».^۳ باز در اهمیت حیا در حدیثی آمده است که: «کسی که حیا ندارد، ایمان ندارد».^۴ شهید مطهری رحمته الله علیه به نقل از مسعودی در مروج الذهب می نویسد: «در زمان عبدالملک یا یکی از خلفای بنی امیه که موسیقی رایج بود، خبر به خلیفه رسید که شخصی با کنیزش خواننده هستند و تمام جوانان مدینه را به فساد می کشند. خلیفه دستور داد آنها را آورند. آن مرد گفت: معلوم نیست آنچه این کنیز می خواند غنا باشد و از خلیفه خواست خودش امتحان کند. وقتی کنیز شروع به خواندن کرد، کم کم دید سر خلیفه دارد تکان می خورد و به جایی رسید که خلیفه چهار دست و پا راه می رفت و می گفت: بیا به مرکوب خودت سوار شو؛ لذا موسیقی قدرت فوق العاده ای مخصوصاً از جهت پاره کردن تقوا و عفت دارد».^۵

۱. ثقة الإسلام محمد بن یعقوب کلینی، همان، جلد ۶، ص ۴۳۳.

۲. روزنامه رسالت، ۱۳۸۱/۰۱/۱۴.

۳. ثقة الإسلام محمد بن یعقوب کلینی، همان، جلد ۷۱، باب ۸۱، ص ۳۳۱، ح ۴.

۴. همان، جلد ۲، ص ۱۰۶.

۵. مرتضی مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران: صدرا، ۱۳۶۶، ص ۷۲.



موسیقی به وسیله ارتعاشات خود، اعصاب را تحت تأثیر خود قرار داده و کم کم برقوای ادراکی چیره می‌شود. به عبارت دیگر، «موسیقی به حسب انواع هنری که دارد و هر یک از آن انواع مختلف یک حالت در اعصاب ادراکی برمی‌انگیزد، از شهوت و بی‌بند و باری و یا شادی و نشاط و اندوه و یا خیالات عرفان‌گونه و یا دیگر حالات که همه آنها حالاتی است خیالی و اوهام‌ساز، دیگر ادراکات را برکنار کرده و همان خیالات جای آن را گرفته و در مسیر انگیزه‌های موسیقی به حرکت درمی‌آورد. در این حال پای عقل و ذهن و اندیشه به همان خیالات و اوهام بسته شده و در همان مسیر خیال‌بافی‌های موسیقی در حرکت است و دیگر نمی‌تواند به خود آید.» بنابراین به هر مقدار موسیقی در جامعه رواج پیدا کند، غیرت از مردان زایل شده و نسبت به بدحجابی و تعرض نامحرمان به ناموس‌شان، بی‌تفاوت‌تر می‌شوند.^۱

۶۷
عترت
غیرت

درمان بی غیرتی

فصل پنجم





الف) تاکید بر ارزش بودن غیرت مردان و حجاب زنان در کتاب‌های درسی

مدارس، مراکز تعلیم و تربیت و تزکیه هستند. آموزش عملی احکام دینی، بخشی از وظایف معلم و دانش‌آموز را تشکیل می‌دهد. توصیه، بدون پرورش، تعلیم و تربیت، پوشش دینی را به دستوری خشک و تحمیلی مبدل می‌سازد، ولی توصیه همراه با معرفت، پذیرش آن را آسان می‌کند. کتاب‌های درسی دانش‌آموزان از دوران مدرسه باید بازگوکننده ارزش غیرت برای یک پسر نوجوان و جوان باشد. معرفت به حجاب نیز ضامن اجرا و دوام آن است. آن‌گاه که پوشش دینی در محیط‌های اجتماعی و پس از پایان تحصیلات، به شکل فرهنگ پذیرفته شده درآید، رسمیت علمی پیدا می‌کند.

در این بین تشویق نیز در تربیت آدمی کاربرد فراوان دارد. ماهیت تشویق‌ها متفاوت است و می‌تواند بار عاطفی، مالی، تشریفاتی، شغلی، عملی و امثال آن داشته باشد که در ترویج فرهنگ حجاب مورد استفاده قرار خواهد گرفت. اگر فردی نیازمند نوعی تشویق نباشد، باید از نوع دیگر بهره گرفت. احترام لازم و محسوس مردم به بانوان باحیا و باحجاب جامعه سبب ترویج فرهنگ حجاب خواهد شد. همچنین فعالیت‌های علمی، فرهنگی و هنری و انتشار نشریه و کتاب، تشکیل میزگردهای ادبی، فراخوانی مقاله، به کارگیری هنرهای تصویری، مسابقات فرهنگی و... با موضوع حجاب آثار مثبتی دارند. پخش آیات، روایات و کلمات

حکمت آمیز و تصاویر الهام بخش درباره حجاب در محیط های عمومی و مدارس نیز به تقویت این فرهنگ خواهد انجامید.

بی تردید ترویج فرهنگ غیرت در میان نسل حاضر به ترویج و تحقق پوشش دینی در جامعه کمک می کند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «خداوند بینی هر یک از مؤمنانی را که غیرت نمی ورزند، به خاک می مالد». ایشان در سخنی دیگر، غیرت را از ایمان می داند.^۱

قدم مؤثر و عملی دیگر در ترویج فرهنگ حجاب، گنجاندن مطالب مهم در زمینه حجاب پوشش و آموزش های لازم در این زمینه در کتب درسی دوره های ابتدایی، راهنمایی، دبیرستان و دانشگاه می باشد. در عصر جدید کتب درسی یکی از مهم ترین ابزار برای معرفی و ترویج فرهنگ حجاب در جامعه می باشد و عدم برنامه ریزی و توجه دقیق به این بخش ممکن است در دراز مدت باعث فراموشی ارزش های والای اسلام و فرهنگ متعالی حجاب گردد.

ب) هوشیاری و عاظ و علمای دین در امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر از فروع بنیادین دین مقدس اسلام به شمار می رود و در جایگاه آن همین بس که در کنار عباداتی چون نماز، روزه، حج، زکات و ... مطرح شده است. بسیاری از امامان و پیامبران الهی وظیفه اصلی خویش را در امر به معروف و نهی از منکر متمرکز می نمودند و برای اصلاح جوامع دوران خویش از هیچ تلاشی فروگذاری نمی کردند. چنان که سالار شهیدان امام حسین علیه السلام، فلسفه قیام خویش را امر به معروف و نهی از منکر معرفی نمود. ایشان در وصیت خود به برادرش محمد بن حنفیه مرقوم داشته اند: «من نه به دلیل خودخواهی یا خوشگذرانی یا فساد و یا ستمگری از مدینه خارج می شوم، بلکه هدفم اصلاح در امت جدم است و خواسته ام امر به معروف و نهی از منکر می باشد. می خواهم به سیره و قانون جدم و

۱. محمد طاهری پور، «تبیین و ترویج فرهنگ عفاف و حجاب»، وب سایت سازمان تبلیغات اسلامی، تیرماه ۹۳.

پدرم، علی بن ابی طالب، عمل کنم. هرکس این حقیقت را از من بپذیرد، راه خدا را پذیرفته است و هر که مراد کند، با صبر و استقامت راه خود را پی خواهیم گرفت تا خدا میان من و افراد حکم کند که او بهترین داوران است». امام صادق علیه السلام از پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که آن حضرت خطاب به مردم فرمود: «چه می‌کنید زمانی که زنان تان فاسد و جوانان تان فاسق گردند و شما امر به معروف و نهی از منکر را ترک کرده باشید؟»

بی‌شک اگر سنت الهی امر به معروف و نهی از منکر در جامعه فراموش شود، اشرار بر جامعه مسلط و باعث ترویج معضلات اخلاقی به ویژه بی‌حجابی و بی‌بند و باری در جامعه می‌شوند. گرایش و نهادینه شدن این اصل می‌تواند در تحکیم فرهنگ حجاب در جامعه فوق‌العاده مؤثر باشد، اگر همه افراد جامعه به نوعی با روی گرداندن از افراد بی‌حجاب، نشان دهند که حرکت آنان مناسب نیست و همه افراد اجتماع نسبت به افراد محجبه احترام و منزلت قائل شوند، خود مروجان فرهنگ حجاب و پوشش در جامعه خواهند بود. مطمئناً احیا و اجرای دقیق فرضیه امر به معروف و نهی از منکر، ترویج فرهنگ پوشش و حجاب را فوق‌العاده گسترش و استحکام خواهد بخشید.^۱

از آنجا که تغییر باورهای فرهنگی و دینی مردم از طریق شبیخون فرهنگی و جنگ نرم به آرامی اتفاق می‌افتد در این میان مبلغین دینی وظیفه بسیار سنگینی برای روشنگری در میان مردم به ویژه نسل جوان که هدف اصلی نظام استکبار و سلطه است، بر عهده دارند. این متولیان فرهنگی باید سعی کنند در مقابل بعضی برداشت‌های غلط از دین به تقویت علم و بصیرت دینی افراد جامعه بپردازند و با تفکرات متحجرانه مبارزه نمایند تا جامعه به اخلاق دینی و اسلامی آراسته شود.

۱. ابوذر جعفری فرد، «راهکارهای مبارزه با بی‌حجابی»، وب سایت شمیم وحی، ۱۰ مرداد ۱۳۹۳.

همچنین فعال شدن مساجد به عنوان کانون ترویج ارزش‌ها و اعتقادات دینی راه دیگری است که می‌توان با تکیه بر آن در مقابل سیل ویرانگر بی‌حجابی و بی‌عفتی مقاومت نمود. در شرایط کنونی مساجد بیشتر به عنوان مکان مختص به مردان شناخته می‌شود. با طراحی برنامه‌ها و فعالیت‌های مختلف و به کارگیری ائمه جماعت فعال و بصیر و جذب نسل جوان دختران به محیط مساجد، می‌توان در احیای فریضه حجاب گام برداشت. مساجد مجهز به امکانات فرهنگی و ائمه جماعت آگاه به مسائل زیبایی‌شناختی نیز می‌توانند حجاب را به عنوان مظهر زیبایی، وقار و ارزشمندی بانوان معرفی کنند.^۱

ج) ضرورت انتقال الگوی «غیر مردانه؛ ضامن آرامش زنانه»

همان‌طور که به حکم عقل از هر جواهر و موجود باارزش و شخصیت مهمی باید مراقبت و محافظت شود، مراقبت از زن نیز به خاطر کرامت وجودی و لطافت خاص او به تشخیص و فرمان خالق او ضروری است. زن در اسلام، مانند مرد، برخوردار از روح کامل انسانی و اراده و اختیار است و با او در هدف خلقت و تکامل هم‌مسیر می‌باشد.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ؛ هر کس کار نیک و صالح انجام دهد، در حالی که مومن باشد، خواه مرد باشد یا زن، ما او را به زندگی پاک و خوشی حیات می‌بخشیم و مزد آنها را به بهتر از آنچه انجام می‌دادند، پاداش می‌دهیم».^۲

و نیز در آیه ۳۵ سوره احزاب، در بیان ویژگی مومنان و اساسی‌ترین مسائل اعتقادی و اخلاقی و عملی آنها، زن و مرد را بدون کمترین تفاوتی همچون دو

۱. حجت الاسلام محمد تقی ناطقی، «ائمه جمعه و روحانیون باورهای فرهنگی مردم را کالبدشکافی کنند»، خبرگزاری مهر، ۱۷ بهمن ۱۳۹۲.

۲. قرآن: نحل / ۹۷.

کفه يك ترازو، در کنار هم قرار داده و برای هر دو پاداش یکسانی را مژده می دهد. زن به جهت داشتن موقعیت حساس و ساختمان روحی و جسمی ویژه، حفاظت و مواظبت بیشتری را در صحنه اجتماع می طلبد و این قاعده ای عمومی است که هر چه ارزش و اهمیت امری بالاتر و کاربرد آن دقیق و ظریف تر باشد، محل هجوم آفات و خطرات فراوان تری خواهد بود و مواظبت و توجه و دوراندیشی بیشتری را لازم دارد.^۱

خداوند این همه زیبایی به زن عطا فرموده که به مسائل موقتی غریزی مرد دامن زده شود، بلکه این زیبایی ها برای تثبیت جایگاه و برانگیختن محبت دائمی مرد نسبت به زن خویش است. همه وجود زن برای مرد مایه خیر و کمال است؛ زیبایی زن، مرد را واکسینه می کند، تا از آلودگی ها مصون بماند، محبت زن هوای نفس مرد را مهار می کند و احترام و حرمت زن به مرد حجاب درونی می بخشد.

از سوی دیگر محبت زن در قلب همسرش نشانه ایمان و سلامت دین و منشأ غیرت و سلامت شخصیت مرد است و زیبایی های خدادادی زن ابزار نفوذ و تثبیت این محبت در قلب مرد است. در این بین وظیفه مرد پاسداشت حرمت و کرامت زنش است.

رسول خدا ﷺ در این رابطه فرمود: «غیرت از صفات و شروط ایمان است و عفت و پاکدامنی مرد به اندازه غیرت او است. غیرت مرد دارای دو مولفه اصلی محبت و احترام نسبت به زن است و عفت مرد هم وابسته به غیرت اوست».

مرد، خود حجاب واقعی و اصلی زن است، یعنی در محافظت از زن وظیفه اصلی به عهده مرد است نه خود زن، و حجاب ظاهری او خاستگاه اصلی شکل گیری حجاب در درون مرد است و مولفه هایی وجود دارد که اگر در مرد تقویت شوند، حجاب درونی اش را تضمین می کنند و به اصطلاح نوعی نگاه و احساس برادرانه در او شکل می گیرد.

۱. محمد علی هدایتی، احیای حیا، قم: کوثر غدیر، ۱۳۸۲، ص ۶۳.

احساس مسئولیت مرد در قبال زن باعث می‌شود مرد در قبال زن بی‌تفاوت نباشد و خودش را مسئول و سرپرست زن بداند. برای مرد نه دین زن، نه حجابش و نه هیچ دلیل دیگری مانع غیرت‌ورزی و حفظ احترام زن نخواهد بود و این عوامل فقط بهانه‌ای برای افراد کم‌بهره از مردانگی، برای توجیه ضعف شخصیت یا توجیه بی‌احترامی به زن است.

مردی که نگاه انسانی دارد با دیدن زیبایی‌های زن خود، غیرتش برانگیخته می‌شود که چطور از وی مراقبت نماید. چنین مردی که متصف به صفات عالی مردان است، از وجود با برکت زن با همه زیبایی‌هایش در جهت تعالی بهره می‌برد.^۱

د) نفی غیرت منفی و زیانبار

غیرت یعنی تلاش در نگهداری آنچه که حفظش ضروری است، این صفت در قالب مطلوبش از شجاعت، بزرگ‌منشی و قوت نفس انسان سرچشمه می‌گیرد و یکی از ملکه‌های نفسانی انسان و سبب مردانگی است و به همین دلیل گفته شده مرد بی‌غیرت از زمره مردان خارج است.^۲

اما غیرت را می‌توان به دو بخش مثبت و منفی تقسیم کرد. غیرت مثبت، یعنی استفاده و بهره‌برداری صحیح از این صفت ارزشمند؛ و غیرت منفی، آن است که انسان غیرتش را در جاهایی که نیاز نیست، به کار گیرد؛ مثلاً شخصی زن و فرزندش را به سبب سوءظن و بدگمانی تحت فشار قرار دهد و این عمل خود را غیرت بنامد.

نباید از یاد برد که افراط و تفریط در هرکاری، ناپسند و ناکارآمد است و چه بسا نتیجه معکوس در پی داشته باشد. از این رو، برخی از روایات، حساسیت، سوءظن و غیرت بی‌جا را محکوم و ناپسند دانسته‌اند که از

۱. سجاد شجاعی، «نقش مرد در حجاب زن و زیبایی زن در شخصیت مرد»، جامعه خبری، تحلیلی الف، اردیبهشت ۹۲.

۲. مهدی نراقی، همان، ص ۲۶۶.

جمله می‌توان به روایات زیر اشاره داشت:

پیامبر بزرگوار اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «مَنْ الْعَيْزَةُ مَا يُحِبُّ اللهُ وَ مِنْهَا مَا يَكْرَهُ اللهُ، فَأَمَّا مَا يُحِبُّ فَالْعَيْزَةُ فِي الرَّبِيبَةِ وَأَمَّا مَا يَكْرَهُ فَالْعَيْزَةُ فِي غَيْرِ الرَّبِيبَةِ؛ غیرتی وجود دارد که خدا دوست دارد، و غیرتی نیز هست که دوست ندارد. غیرتی که خدا آن را دوست دارد، غیرت در ریبه و شک است؛ و غیرتی که دوست ندارد، غیرت نشان دادن در جایی است که ریبه و شک وجود نداشته باشد»^۱.

کلمه‌ای که در تعریف غیرت مرد در خانواده مناسب به نظر می‌رسد «حساسیت» است. به این معنا که غیرت نوعی حساسیت است. حساسیتی که از مسئولیت برخاسته است. زیرا هر کس که نسبت به چیزی مسئولیت دارد، باید نسبت به آن حساسیت هم داشته باشد. در نظام خانواده نیز مسئولیت مرد نسبت به همسرش، غیرتی است که مرد نسبت به همسر خود دارد و زمانی این نوع غیرت ممدوح است که با اعتدال همراه گردد.

ناگفته نماند این حساسیت مرد تا زمانی از جانب بانوان نوعی دوست داشتن، محبت و حمایت تلقی می‌گردد که در حد معقول باشد. اگر از راه اعتدال خارج شده و به سوی افراط و تفریط گرایش یابد، مذموم خواهد بود و به بدگمانی منفی تبدیل می‌شود، به گونه‌ای که می‌توان چنین گفت:

حد و حدود غیرت تا جایی است که: ۱- از روی بدگمانی، ۲- همراه با سخت‌گیری، ۳- برای کسانی که خود اهل مراقبت‌اند، نباشد. مگر آن‌که به قرآینی خلاف آن ثابت شود. بسیاری از بانوان خود حریم خویش را رعایت می‌کنند و در این صورت حساسیت نشان دادن، بیشتر آثار منفی به دنبال خواهد داشت.

امام علی عَلَيْهِ السَّلَام در سفارش به فرزند خود امام حسن عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: «از غیرت نابه‌جا [نسبت به زنان] بپرهیز که آن، زن سالم را به بیماری و پاکدامن را به بدگمانی (اندیشه گنهکاری) می‌کشاند»^۲.

۱. محمود اکبری، همان، ص. ۸۸.

۲. مرضیه رجب تهرانی، «شوهر غیرتی خوب است یا بد؟»، وب سایت موسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان، مرداد ۹۳.



نتیجه گیری

این اثر به بررسی مفهوم غیرت دینی و نقش و جایگاه آن در عصر حاضر و علل افول آن پرداخته است. در یک چهارچوب کلی در این کتاب آمده است، غیرت دارای معانی متعددی است و براین اساس اقسام گوناگونی دارد. از جمله اقسام گوناگون آن می‌توان به غیرت ناموسی، غیرت و تعصب دینی و غیرت ملی اشاره کرد. اما آنچه بیش از همه در این کتاب مدنظر نگارنده بوده، همان «غیرت ناموسی» به معنای حمیت به خرج دادن برای حفظ ناموس است. صاحب غیرت در اسلام کسی است که ابداً دوست ندارد ناموسش در معرض چشم چرانی و گفتار آلوده به شهوت قرار بگیرد، و دوست ندارد نامحرمی چون محرم با همسرش، دخترش، و دیگر نوامیس‌اش، گفتگوی غیرضروری و تحریک کننده داشته باشد. صاحب غیرت نسبت به ناموسش دارای رشک و در پوششی از توجه نسبت به همسرش و دخترش در برابر دیگران است و در حفظ عفت و پاکدامنی اهل بیت خود می‌کوشد. غیرت در حقیقت یک حساسیت طبیعی است که خدا در نهاد انسان قرار داده که بر آن مبنا دوست ندارد دیگران در آن چیزی که محبوب او است، مشارکت داشته باشند و باز بنا بر حکمت خداوند، این ویژگی در ذات مردان قرار داده شده است. غیرت جنسی، نوعی نگهبان و محافظ است که خداوند برای مشخص ماندن و مختلط نشدن نسل‌ها در وجود بشر نهاده است.

به تعبیر دیگر، خداوند به مردان سلاح غیرت داده است تا از آلودگی نسل‌ها به فساد و انحراف و از آلودگی‌های جنسی جلوگیری کنند. انسان غیرتمند درباره وضعیت ظاهر و آراستگی ناموس خود در بیرون از منزل حساس است. نبی مکرم اسلام ﷺ در این باره می‌فرماید: «الْمَرْأَةُ إِذَا خَرَجَتْ مِنْ بَابِ دَارِهَا مُتَزَيِّنَةً مَتَّعِطْرَةَ وَالزَّوْجَ بِذَلِكَ رَاضٍ يُبْنِي لِرِزْوَانِهَا بِكُلِّ قَدَمٍ يَبِيتُ فِي النَّارِ؛ هنگامی که زنی آرایش کرده و معطر از در خانه خارج شود و شوهرش نیز به این کار راضی باشد، به ازای هر قدمی که بر می‌دارد، خانه‌ای در آتش برای شوهر بنا می‌شود». البته بنا به قول بزرگان دین، زیاده‌روی در غیرت روا نیست؛ چرا که به بدگمانی کشیده می‌شود. این کتاب از دیدگاه کتاب و سنت برخی از نخبگان علم اخلاق نگاه ویژه‌ای به مقوله غیرت دینی دارد. امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید: «غیرت، یکی از اوصاف خداوند است». «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى غَيْرٌ يُحِبُّ كُلَّ غَيْرٍ؛ خداوند غیور است و تمام غیرتمندان را دوست دارد».^۱ و به سبب همین صفت و ویژگی است که زشتی‌های درونی و بیرونی را تحریم کرده است. آن حضرت در جای دیگر نیز می‌فرماید: «انسان در منزل و در برابر خانواده‌اش، به سه صفت نیاز دارد که اگر در طبیعت او وجود نداشته باشد، باید آن را به زحمت برای خود فراهم سازد؛ معاشرت زیبا، توسعه آمیخته با اندازه و حساب، و غیرت آمیخته با حفظ و نگهداری از آلودگی‌ها و از غیرت مردان است که پوشش و حجاب برای زنان ضروری است».

در بحث از عوامل کاهش غیرت مردان در فضای امروز جامعه، قطعاً علل و عوامل مختلفی را می‌توان دخیل دانست، که برخی از آنها ثمره تغییر سبک زندگی در دهه گذشته است، با این وجود به دلیل آن که در این جستار مجال پرداختن به

۱. بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۴۹.

۲. کافی، ج ۵، ص ۵۳۵.

همه آنها نیست، به برخی از مهمترین این دلایل پرداخته شده است. در بررسی آثار و نتایج شیوع بی‌غیرتی در جامعه نیز این اثر به موارد متعددی از جمله بی‌حجاب و بی‌عفت شدن زنان، گسست بین نسل‌ها، روابط مختلط و غیرمهار شده بین زن و مرد و در نتیجه فروپاشی خانواده‌ها اشاره نموده که در این بین مقوله بی‌حجابی زنان و گرایش و سکوت مردان نسبت به آن بیشترین سهم را به خود اختصاص داده است. این در حالی است که اسلام در راستای همین غیرت ناموسی، حجاب را به عنوان یک اصل از مسلمانان خواسته و رعایت آن را الزامی دانسته است.

در پایان در باب درمان این معضل اجتماعی راهکارهای مختلفی ارائه شده است. باید دانست بی‌غیرتی و بی‌تفاوتی نسبت به ناموس، در واقع نوعی بیماری روحی و روانی است که مانند دیگر امراض، قابل درمان است. شکوفاسازی غیرت، بهترین نسخه درمان این بیماری است. افراد بی‌غیرت با تمرین و آگاهی، می‌توانند به شکوفاسازی غیرت از دست رفته خویش پردازند.

بی‌شک غیرت دینی از این نگاه جامعه را از آلودگی‌ها می‌پیراید و نمی‌گذارد تا لالابالی‌گری زمینه رشد بیابد و حرمت‌ها و حریم‌ها یکی پس از دیگری شکسته شود.

وقتی در جامعه‌ای غیرت دینی که آمیخته با خردورزی است، میدان‌دار شود و در همه عرصه‌ها نمود و ظهور یابد، هیچ آفت و گزند به آن جامعه راه نخواهد یافت و همیشه در اوج سلامت و نشاط در پویش و حرکت خواهد بود و انسان‌های سالمی در دامن خود خواهد پروراند.

غیرت دینی، برکت‌ها و نعمت‌های فراوانی برای جامعه خواهد داشت و در مقابل بی‌تفاوتی، سستی و سهل‌انگاری در برابر حرکت‌های ضد ارزشی و آلودگی‌ها و لالابالی‌گری‌ها، زیان‌ها و آفت‌ها و آسیب‌هایی به بار خواهد آورد که جبران کردن آنها بسی دشوار ورنج‌افزا است.

مردی که نسبت به ناموس خود غیرت دارد و از حضور عقیفانه وی در جامعه حمایت می‌کند، نه تنها به سالم نگاه داشتن جامعه امروز کمک می‌کند، بلکه با عملکرد صحیح خود، الگوی غیرت‌ورزی معقولانه را به عنوان یک ارزش اخلاقی در نظر فرزند خود مجسم می‌کند.

وجود غیرت در جامعه انسانی تا آنجا ضروری و حیاتی است که شارع مقدس اسلام در تشریح احکام نیز به آن عنایت داشته است.

رسول خدا ﷺ فرمود: «أَلَا وَإِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ الْحَرَامَ وَحَدَّ الْحُدُودَ وَمَا أَحَدٌ أَعْيَرَ مِنَ اللَّهِ وَمِنْ غَيْرَتِهِ حَرَّمَ الْفَوَاحِشَ؛ آگاه باشید که خداوند، محرمات را حرام و حدود را وضع کرد و هیچ‌کس غیورتر از خدا نیست که از روی غیرت، زشتی‌ها را حرام کرده است».

بر همین اساس، خدا به هر غیرتمندی نظر لطف و مرحمت دارد.

نمايه ها

نمايه آيات

- إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ... ٣٤
- الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يَشْهَدُ عَذَابَهُمَا طَائِفَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ٣٤
- قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ... ٣٥
- ...وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ ٣٥
- وَلَا تَبْرُجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى ٣٥
- ...فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعُ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا ٣٥
- يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يَعْرِفْنَ فَلَا يُؤْذِينَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ٣٥، ٣٦
- وَإِن تَلَّوْا آيَاتِنَا حَتَّى إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمُ رُسْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ ٥٠
- فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ ٥٤
- يَا أَيُّهَا الرَّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا ٥٥
- مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّه حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ٧١

نمایہ روایات

- ۱۰ • إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى غَيُورٌ يُحِبُّ كُلَّ غَيُورٍ وَ لِعَيْرَتِهِ حَرَمَ
الْفَوَاحِشَ ظَاهِرَهَا وَ بَاطِنَهَا.
- ۱۰ • اَلْغَيْرَةُ مِنَ الْاِيْمَانِ وَالْمِذَاءِ مِنَ النِّفَاقِ
- ۱۳ • اِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ
- ۱۶ • إِنَّ خَيْرَ نِسَائِكُمُ الْوَالِدُ، الْمَتَّبِرَجَةُ مَعَ زَوْجِهَا، اَلْحَصَانُ عَلَى غَيْرِهِ
- ۱۶ • أَيَّمَا امْرَأَةٍ تُطِيبَتْ لِغَيْرِ زَوْجِهَا لَمْ تُقْبَلْ مِنْهَا صَلَاةٌ حَتَّى تَغْتَسِلَ
مِنْ طَيِّبِهَا
- ۲۲ • عَلَى قَدْرِ الْحَمِيَّةِ تَكُونُ الْغَيْرَةُ
- ۲۲ • شَجَاعَةُ الرَّجُلِ عَلَى قَدْرِ هَمَّتِهِ وَ غَيْرَتُهُ عَلَى قَدْرِ حَمِيَّتِهِ
- ۲۲ • إِنْ كُنْتُمْ لِامْحَالَةِ مُتَعَصِّبِينَ فَتَعَصَّبُوا لِنُصْرَةِ الْحَقِّ وَ اِغَاثَةِ
الْمَلْهُوفِ
- ۲۹ • فَإِذَا حَضَرَتْ بَلِيَّةٌ فَاجْعَلُوا أَمْوَالَكُمْ دُونَ أَنْفُسِكُمْ
- ۳۰ • وَ إِذَا نَزَلَتْ نَازِلَةٌ فَاجْعَلُوا أَنْفُسَكُمْ دُونَ دِينِكُمْ، وَاعْلَمُوا أَنَّ
الْهَالِكَ مَنْ هَلَكَ دِينُهُ وَ الْحَرِيبَ مَنْ حُرِبَ دِينُهُ
- ۳۰ • حُبُّ الْوَطَنِ مِنَ الْاِيْمَانِ
- ۳۰ • ... لَا يُدْرِكُ الْحَقُّ إِلَّا بِالْجِدِّ آئٍ دَارٍ بَعْدَ دَارِكُمْ تَمْنَعُونَ وَ مَعَ آئِ
إِمَامٍ بَعْدِي تُقَاتِلُونَ
- ۳۶ • إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى غَيُورٌ يُحِبُّ كُلَّ غَيُورٍ، وَ مَنْ غَيْرَتِهِ حَرَمَ
الْفَوَاحِشَ ظَاهِرَهَا وَ بَاطِنَهَا
- ۳۶ • إِنَّ الْغَيْرَةَ مِنَ الْاِيْمَانِ
- ۳۶ • الْغَيْرَةُ مِنَ الْاِيْمَانِ وَالْبَدْءُ مِنَ النِّفَاقِ
- ۳۷ • كَانَ اِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ غَيُورًا وَ أَنَا أَغْيَرُ مِنْهُ وَ جَدَعَ اللَّهُ أَنْفَ
مَنْ لَا يُغَارُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُسْلِمِينَ
- ۳۷ • اِنِّي لَغَيُورٌ وَاللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَغْيَرُ مِنِّي وَ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحِبُّ مَنْ
عَبَادَةُ الْغَيُورِ

- مَن لايَعَاظُ فَإِنَّهُ مَنكُوسُ الْقَلْبِ ٣٨
- اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِيْ زَوْجَةً قَنُوعًا عَيُّورًا ٣٨
- قَدْرُ عَقْمِ الرَّجُلِ عَلَى قَدْرِ غَيْرَتِهِ ٣٨
- اِيَّاكَ وَالتَّغَايُرِ فِي غَيْرِ مَوْضِعِ الْغَيْرَةِ فَإِنَّ ذَلِكَ يَدْعُو الصَّحِيحَةَ ٣٨
- مِنْهُنَّ إِلَى السَّقَمِ وَلَكِنْ أَحْكِمْ أَمْرَهُنَّ، فَإِنْ رَأَيْتُ عَيْبًا فَعَجَلِ ٣٨
- التَّكْبِيرَ عَلَى الْكَبِيرِ وَالصَّغِيرِ ٣٨
- تُبْتِئُ أَنْ نِسَائِكُمْ يُدْفِعْنَ الرِّجَالَ فِي الطَّرِيقِ، أَمَا تَسْتَحْيُونَ؟ ٣٩
- لَعَنَ اللهُ مَنْ لايَعَارُ ٣٩
- وَأَمَّا حَقُّ بَطْنِكَ فَإِنَّ لَا تَجْعَلُهُ وِعَاءَ الْقَلِيلِ مِنَ الْحَرَامِ وَلَا ٥٤
- لِكثِيرٍ وَأَنْ تَقْتَصِدَ لَهُ فِي الْحَلَالِ وَلَا تُخْرِجُهُ مِنْ حَدِّ التَّقْوِيَةِ ٥٤
- إِلَى حَدِّ التَّهْوِينِ وَذِهَابِ الْمُرَّةِ ٥٤
- مُجَالَسَةُ أَهْلِ الْهَوَى مَنسَاءٌ لِلإِيمَانِ وَمَحْضَرَةٌ لِلشَّيْطَانِ ٦١
- الْغِنَاءُ رَقِيَّةُ الرِّثَا؛ غَنَا ٦٣
- إِنْ شَيْطَانًا يُقَالُ لَهُ الْقَفْنَدَرُ إِذَا ضَرَبَ فِي مَنْزِلِ الرَّجُلِ أَرْبَعِينَ ٦٣، ٦٤
- صَبَاحًا بِالْبُرْبُطِ وَدَخَلَ الرَّجَالُ وَضَعَ ذَلِكَ الشَّيْطَانُ كُلَّ عَضْوٍ ٦٤
- مِنْهُ عَلَى مِثْلِهِ مِنْ صَاحِبِ الْبَيْتِ ثُمَّ نَفَخَ فِيهِ نَفْحَةً فَلَا يُعَارُ ٦٤
- بَعْدَهَا حَتَّى تَوْتِيَ نِسَاؤُهُ فَلَا يُعَارُ ٦٤
- مِنَ الْغَيْرَةِ مَا يُحِبُّ اللهُ وَمِنْهَا مَا يَكْرَهُ اللهُ، فَأَمَّا مَا يُحِبُّ فَالْغَيْرَةُ ٧٤
- فِي الرِّبِّيَّةِ وَأَمَّا مَا يَكْرَهُ فَالْغَيْرَةُ فِي غَيْرِ الرِّبِّيَّةِ ٧٤
- الْمَرْأَةُ إِذَا خَرَجَتْ مِنْ بَابِ دَارِهَا مُتَزَيِّنَةً مَتَعَطِّرَةً وَالرَّوْجُ بِذَلِكَ ٧٤
- رَاضٍ يُبْنَى لِزَوْجِهَا بِكُلِّ قَدَمٍ بَيَّتْ فِي النَّارِ ٧٤
- إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى غَيُّورٌ يُحِبُّ كُلَّ غَيُّورٍ ٧٤
- أَلَا وَإِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ الْحَرَامَ وَحَدَّ الْحُدُودَ وَمَا أَحَدٌ أَغْيَرَ مِنَ اللَّهِ وَ ٧٨
- مِنْ غَيْرَتِهِ حَرَّمَ الْفَوَاحِشَ ٧٨

نمایه اسامی

- پیامبر اکرم ﷺ ۱۰، ۱۳، ۱۶، ۲۳، ۲۸، ۲۹، ۳۶
۳۷، ۳۹، ۶۳، ۶۴، ۶۹، ۷۰
۷۲، ۷۴، ۷۶، ۷۸
- امام علی علیه السلام ۱۶، ۲۲، ۲۳، ۲۷، ۲۹، ۳۰، ۳۸،
۳۹، ۴۱، ۶۱، ۷۰، ۷۴
- امام حسن علیه السلام ۳۸
- امام حسین علیه السلام ۱۰، ۲۸، ۶۹، ۷۴
- امام سجاد علیه السلام ۲۸، ۵۴
- امام باقر علیه السلام ۳۶
- امام صادق علیه السلام ۱۰، ۲۸، ۶۳، ۷۰، ۷۶
- امام موسی کاظم علیه السلام ۲۷
- امام زمان علیه السلام ۱۱
- حضرت ابراهیم علیه السلام ۳۷
- حضرت زینب علیه السلام ۲۸
- امام خمینی رحمته الله علیه ۳۱، ۴۶
- شهید مطهری رحمته الله علیه ۲۱، ۴۱، ۶۴
- ملا احمد نراقی رحمته الله علیه ۲۳، ۴۰
- علامه طباطبایی رحمته الله علیه ۴۰
- شیخ طوسی رحمته الله علیه ۵۰
- نظامی ۲۳
- ام فروه ۲۸
- ضحاک بن قیس ۳۰



- فاطمه يعقوب ۴۸
- حجت الاسلام والمسلمين نصير عابدينى ۵۰
- حجت الاسلام والمسلمين احمد رضا دردشتى ۵۱، ۵۵
- محمد بن حنيفه ۶۹
- عايشه ۳۷
- حفصه ۳۷
- معاويه ۳۰
- رضا خان ۴۵
- آتاتورک ۴۵
- استرابون ۴۵
- ملومى ايويت فرانکلين ۴۶
- ابن مکتوم ۳۷

نمایه اشعار

- اگر غیرت بری با درد باشی / وگربی غیرتی نامرد باشی ۲۳
- روغنی کاید چراغ ما گُشد / آب خوانش، چون چراغی را گُشد ۵۴

منابع و ماخذ

کتاب‌ها:

- ۱- آمدی، عبد الواحد؛ **غررالحکم و دررالکلم**، ترجمه: محمد علی انصاری، تصحیح: مهدی انصاری قمی، چاپ دوم، مرو دشت، نشر مؤسسه انتشاراتی امام عصر (عج)، ۱۳۸۶.
- ۲- ابن طاووس، سید علی بن موسی؛ **اللهوف علی قتل الطفوف**، ترجمه: دکتر عبد الرحیم عقیقی بخشایشی، قم: نوید اسلام، ۱۳۹۱.
- ۳- ابن عربی، محیی الدین؛ **رحمة من الرحمن فی تفسیر و اشارات القرآن**، جلد ۲، ترجمه و شرح: قاسم میرآخوری، تهران: فهرست، ۱۳۹۰.
- ۴- اکبری، محمود؛ **غیرتمندی و آسیبها**، قم: گلستان ادب، ۱۳۸۱.
- ۵- الهامی نیا، علی اصغر؛ **تعلیم و تربیت در اسلام**، تهران: مرکز تحقیقات اسلامی سپاه، ۱۳۷۸.
- ۶- امینی، ابراهیم؛ **انتخاب همسر**، تهران: انجمن اولیاء و مربیان، ۱۳۷۴.
- ۷- انصاری قمی، محمد علی؛ **غررالحکم**، چاپ هفتم، تهران: امام عصر (عج)، ۱۳۹۰.
- ۸- اولیایی، احمد؛ **چه باید کرد؟: نگاهی به موسیقی**، قم: ابتکار دانش، ۱۳۸۵.
- ۹- بیگی، روح الله؛ **ارزش‌های اجتماعی در قرآن**، قم: سازمان اوقاف و امور خیریه اسوه، ۱۳۸۹.
- ۱۰- حر عاملی، شیخ محمد بن حسن؛ **وسائل الشیعه**، ج ۱۴، قم: نشر مؤسسه آل البیت، ۱۴۰۹ق.
- ۱۱- حق شناس، سید جعفر؛ **نظام اسلامی و مسئله حجاب**، قم: دفتر مطالعات زنان حوزه علمیه خواران، ۱۳۸۷.
- ۱۲- سفیدگران، غلامحسین؛ **مسائل و مشکلات زنان؛ اولویت‌ها و رویکردها**، تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۸۰.
- ۱۳- شریعت موسوی، مصطفی؛ **نظری به موسیقی از طریق کتاب و سنت**، ج ۳، قم: اسماعیلیان، ۱۳۷۲.
- ۱۴- شفیع سروستانی، ابراهیم؛ **جریان‌شناسی دفاع از حقوق زنان در ایران**، چاپ سوم، قم: مؤسسه فرهنگی طه، ۱۳۸۶.

- ۱۵- شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه؛ خصال، جلد ۱، ترجمه: صادق حسن زاده، تهران: ارمغان طوبی، ۱۳۸۴.
- ۱۶- طباطبایی، محمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن، جلد چهارم، ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی، تهران: بنیاد علمی فکری علامه طباطبایی، ۱۳۶۷.
- ۱۷- عثمانی نجاتی، محمد؛ قرآن و روان شناسی، ترجمه: عباس عرب، مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۶۷.
- ۱۸- عمید، حسن؛ فرهنگ عمید، جلد ۳، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۲.
- ۱۹- قمی، عباس؛ سفینه البحار و مدینه الحکم والآثار، ج ۲، تهران: اسوه، ۱۳۸۶.
- ۲۰- کلینی، محمد بن یعقوب؛ شرح الاصول من الکافی، جلد ۵، محقق و مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
- ۲۱- گل زاده غفوری، علی؛ راه و رسم زندگی از نظر امام سجاد علیه السلام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۵.
- ۲۲- مجلسی، محمد باقر؛ بحار الانوار، جلد ۶۸، تحقیق و تعلیق: سید جواد علوی، تهران: دارالکتب اسلامیة، ۱۳۶۲ ق.
- ۲۳- محمدی، زهرا؛ بررسی آسیب های اجتماعی زنان در دهه ۱۳۸۰-۱۳۷۰، تهران: شورای فرهنگی، اجتماعی زنان، ۱۳۸۲.
- ۲۴- مطهری، مرتضی؛ مسئله حجاب، تهران، صدرا، ۱۳۶۸.
- ۲۵- مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار، جلد ۱۹، تهران: صدرا، ۱۳۷۸.
- ۲۶- مطهری، مرتضی؛ تعلیم و تربیت در اسلام، تهران: صدرا، ۱۳۶۶.
- ۲۷- مظاهری، حسین؛ کاوشی نو در اخلاق اسلامی و شئون حکمت عملی، جلد دوم، ترجمه: حمیدرضا آژیر، تهران: مؤسسه نشر و تحقیقات ذکر، ۱۳۸۴.
- ۲۸- نراقی، ملا احمد؛ معراج السعاده، چاپ اول، تهران: هجرت، ۱۳۷۱.
- ۲۹- نراقی، مهدی؛ جامع السعادات، جلد اول، ترجمه: سید جلال الدین مجتبیوی، چاپ چهارم، تهران: جاویدان، ۱۳۷۷.
- ۳۰- هدایتی، محمد علی؛ احیای حیا، قم: کوثر غدیر، ۱۳۸۲.
- ۳۱- یارشاطر، احسان؛ پوشاک در ایران زمین، ترجمه: پیمان متین، تهران: امیرکبیر، تیر ۱۳۹۲.

نشریات

- ۱- اسحاق، سید حسین؛ «بایسته ها و آسیب های فرهنگ حجاب و حیا»، ماهنامه طوبی، شماره ۱۹، تیر ۱۳۸۶.
- ۲- باقر اسلامی، فائزه؛ «ارزش ها وارونه می شوند»، ماهنامه پیام زن، شماره ۲۶۳، بهمن.
- ۳- پاک نیا، عبدالکریم؛ «معاشرت با نامحرم از نگاه نبوی»، فرهنگ کوثر، شماره ۶۸،

- زمستان ۱۳۸۵.
- ۴- زاهدی، زهره؛ «افزایش میانگین سن ازدواج»، نشریه زنان، ش ۱۳۸۹، ۴۸.
- ۵- شجاعی، محمد صادق؛ «تحلیل روان شناختی افزایش سن ازدواج و نقش آن در انحرافات اخلاقی جوانان»، مجله معرفت، شماره ۹۷، دی ۱۳۸۴.
- ۶- لقمانی، احمد؛ «خانواده، جوان و دشواری‌های پیدا و پنهان»، نشریه پیام زن، شماره ۱۶۰، تیر ۱۳۸۴.
- ۷- محمدی اشتهاردی، محمد؛ «عفت در سیره پیشوایان»، نشریه پاسدار اسلام، شماره ۲۵۸، خرداد ماه ۱۳۸۲.
- ۸- نوری، اعظم؛ «عوامل تضعیف استحکام خانواده»، پژوهش نامه اسلامی زنان و خانواده، سال سوم، شماره ۶.
- ۹- نوری، اعظم؛ «حجاب در رسانه ملی، چالش‌ها و بایسته‌ها»، نشریه نامه جامعه، شماره ۶۵، بهمن ۱۳۸۸.
- ۱۰- یعقوبی، ابوالقاسم؛ «غیرت حسینی»، نشریه پاسدار اسلام، شماره ۳۲۵، دی ۱۳۸۷.
- ۱۱- یعقوبی، ابوالقاسم؛ «غیرت دینی از نگاه ملا احمد نراقی»، نشریه حوزه، شماره ۱۰۷ و ۱۰۸، آذر و اسفند ۱۳۸۰.
- سایت‌ها و خبرگزاری‌ها
- ۱- بی‌نام؛ «غیرت چیست؟ آیا می‌توان از آموزه‌های دینی غیرت را به دست آورد؟»، وب سایت اسلام کوئست، ۲۱ آبان ۱۳۹۱.
- ۲- جعفری فرد، ابودر؛ «راهکارهای مبارزه با بی‌حجابی»، وب سایت شمیم وحی، ۱۰ مرداد ۱۳۹۳.
- ۳- دردشتی، احمدرضا؛ «اجازه بی‌حجابی؛ حق السکوت مرد به زن»، خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، ۸ شهریور ۱۳۹۳.
- ۴- رجب تهرانی، مرضیه؛ «شوهر غیرتی خوب است یا بد؟»، وب سایت موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، مرداد ۹۳.
- ۵- شجاعی، سجاد؛ «نقش مرد در حجاب زن و زیبایی زن در شخصیت مرد»، جامعه خبری، تحلیلی الف، اردیبهشت ۹۲.
- ۶- طاهری پور، محمد؛ «تبیین و ترویج فرهنگ عفاف و حجاب»، وب سایت سازمان تبلیغات اسلامی، تیرماه ۹۳.
- ۷- عابدینی، نصیر؛ «کم رنگ شدن تقبیح اجتماعی بی‌غیرتی / تغییر مفهوم غیرتی به اُمل»، خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، ۱۴ شهریور ۱۳۹۳.
- ۸- ناطقی، محمد تقی؛ «اُتمه جمعه و روحانیون باورهای فرهنگی مردم را کالبد شکافی کنند»، خبرگزاری مهر، ۱۷ بهمن ۱۳۹۲.

مراکز پخش:

کرج: میدان قدس، بلوار امامزاده حسن علیه السلام، روبروی مصلی
نماز جمعه، جنب حوزه ۱۰ بسیج، گروه فرهنگی مذهبی
محبان الرضا علیه السلام، شعبه اول | ۰۲۶.۳۲۵۰۵۰۰

کرج: میدان قدس، بلوار امامزاده حسن علیه السلام، روبروی مصلی
نماز جمعه، اول خیابان آستان مقدس امامزاده حسن
علیه السلام، گروه فرهنگی مذهبی محبان الرضا علیه السلام، شعبه دوم |
۰۲۶.۳۲۲۵۴۸۶۵

کرج: چهارراه طالقانی، بلوار طالقانی شمالی، نبش کوچه
نسیم، کتاب بهمن | ۰۲۶.۳۲۲۶۲۹۱۲.۳

کرج: رجایی شهر، نبش چهارم غربی، پاساژ فاطمیه، طبقه
دوم، کتاب بهمن | ۰۲۶.۳۴۴۳۷۵۳۳

کرج: ۴۵ متری گلشهر، خیابان درختی، جنب پاساژ پیام،
کتاب بهمن | ۰۲۶.۳۳۵۳۱۰۰۱۰۹

کرج: بلوار امامزاده حسن علیه السلام، به سمت میدان استاندارد،
جنب پل ذوب آهن، مقابل آتش نشانی، کتاب
دانش | ۰۲۶.۳۲۷۰۳۱۱۵

شهریار: خیابان امام خمینی علیه السلام، جنب امامزاده اسماعیل
علیه السلام | ۰۲۱.۶۵۲۶۵۷۸۵

هشتگرد: جنب بانک ملی ایران | ۰۲۶.۴۴۲۳۳۱۰۶

تهران: میدان ونک، ضلع جنوب غربی، جنب آیدا، پلاک ۱۷ |
۰۲۱.۶۶۵۶۹۸۲۳.۴

تهران: میدان انقلاب، جمالزاده جنوبی، کوچه رشتچی،
پلاک ۲۰ | ۰۲۱.۶۶۹۷۷۶۱۳.۴